



عوامل تأثیرگذار بر سطح سرمایه اجتماعی و راهکارهای ارتقای آن

سید محمد حسن مصطفوی *

تاریخ دریافت مقاله ۸۷/۷/۲

تاریخ نایید مقاله ۸۷/۱۰/۵

چکیده:

رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌های افراد در جوامع، عموماً نه در خلأ که در اشکال جمعی صورت می‌پذیرد که نهادهای آن قبلاً بنا نهاده شده‌اند؛ نهادهایی چون دولت، بازار و خانواده، که حامل سرمایه اجتماعی^۱ اند. سرمایه اجتماعی یک مفهوم پیچیده بین رشته‌ای است که در دو دهه اخیر خیلی سریع مورد توجه بسیاری از پژوهشگران علوم انسانی (بویژه جامعه‌شناسی و اقتصاد) قرار گرفته است. کافی است بدانیم از سال ۱۹۹۰، بیشترین ارجاع مجلات معتبر، مربوط به کلیدواژه سرمایه اجتماعی است (Ishhum, ۲۰۰۲) و در دهه اخیر مدنظر جامعه‌شناسان و اقتصاددانان کشورمان نیز بوده است.

در این زمینه، اطلاعات وسیع و ارزنده‌ای از طریق انتشار منابع علمی- پژوهشی و نیز رسانه‌های مکتوب و الکترونیکی در اختیار همگان قرار دارد و حتی اولین شماره پژوهش نامه‌ای به همین نام (سرمایه اجتماعی) منتشر شده که لابه‌لای این مباحث، موارد مخدوش و غیرعلمی فراوان به چشم می‌خورد که بر دشواری کار می‌افزاید.

همان‌گونه که از عنوان «سرمایه اجتماعی» برداشت می‌شود، ترکیبی از دو مفهوم «سرمایه» و «اجتماعی» است و از جهتی که سرمایه است به اقتصاد و از جهت دیگر که اجتماعی است به جامعه‌شناسی نزدیک می‌شود. از طرفی، ماده ۹۸ قانون برنامه چهارم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، برای حفظ و بهبود سرمایه اجتماعی، دولت را موظف نموده تا تمهیداتی بیاندیشد و ساز و کارهایی را سامان دهد. همچنین سند چشم‌انداز بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی تأکید نموده است.

با توجه به اینکه در دهه دوم و سوم دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سرمایه اجتماعی - البته به طور خفیف- کاهش یافته که اگر این روند تشدید شود، نگران‌کننده است و این مقاله تلاشی در جهت توجه دادن به موضوع و اندیشیدن درباره کنترل و مدیریت آن است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، اعتماد، هویت، معرفت، عدالت.



۱. مقدمه

و یا برای مصارف آینده ذخیره شوند، سرمایه اطلاق نمی‌گردد (صادقی و قنبری، ۱۳۸۷).

۲.۲. تعریف سرمایه اجتماعی

ادبیات سرمایه اجتماعی به مفهوم جدید بیشتر مدیون "جیمز کلنن" در دهه ۱۹۸۰، "رابرت پاتنام" در دهه ۱۹۹۰ و "فرانسیس فوکویاما" در سال‌های پایانی دهه ۱۹۹۰ و ابتدای دهه ۲۰۰۰ است.

تعریفی از سرمایه اجتماعی که به تعریف صاحب نظران فوق نزدیک می‌باشد، عبارتست از: بازتاب نهادها، روابط و هنجارهایی که تعامل آحاد یک جامعه را با یکدیگر تسهیل می‌کند؛ سرمایه ای که در اختیار هیچ فردی به تنهایی نیست و در تعامل و روابط با دیگران به کار می‌آید (فوکویاما، ۱۳۷۹).

چرا به این خصوصیت فرهنگی - اجتماعی سرمایه اطلاق می‌شود؟

الف) این سرمایه مانند سرمایه انسانی و فیزیکی به مراقبت نیاز دارد که هزینه در بر دارد. سرمایه انسانی همواره می‌باید اطلاعات و نیز مهارت خود را درباره موضوع شغلی که به آن مشغول است، تکمیل و تقویت نماید. همین‌طور سرمایه فیزیکی احتیاج به نگهداری و بازسازی دارد؛ چراکه در غیر این صورت مستهلک می‌شود. اما جالب است که اگر سرمایه اجتماعی مصرف نشود مستهلک می‌شود و در صورت مصرف به صورت تصاعدی هم افزایشی دارد.

ب) سرمایه اجتماعی می‌تواند به عنوان جانشین یا مکمل منابع دیگر مورد استفاده قرار گیرد، همان‌طور که سرمایه اقتصادی می‌تواند این نقش‌ها را ایفا کند.

ج) سرمایه اجتماعی امکانی است که می‌توان آن را برای آینده سرمایه‌گذاری کرد و به بازدهی آن امیدوار بود.

د) سرمایه اجتماعی مانند کالاهای عمومی است که به مالکیت فردی در نمی‌آید و استفاده از آن غیرقابلیت است.

ه) سرمایه اجتماعی مولد است و برخی اهداف را محقق می‌نماید (برگرفته از خاندوزی، سیداحسان، ۱۳۸۴).

به عنوان مثال در بازارهای عمده فروشی الماس [در آمریکا]، یک تاجر [فروشنده] کیسه‌های حاوی سنگ الماس را به دست تاجر دیگر [خریدار] می‌دهد تا پیش از معامله، آن را در خلوت

در این مقاله سعی شده است که اهمیت سرمایه اجتماعی و جایگاه آن در عرصه‌های عمومی در ۵ فصل تبیین گردد.

پس از مقدمه، در فصل دوم «سرمایه و سرمایه اجتماعی»، به سرمایه و تعریف آن، تعریف سرمایه اجتماعی، مروری بر تاریخچه سرمایه اجتماعی، تعاریف صاحب نظران از سرمایه اجتماعی و عناصر محوری آن، گسترده‌گی سرمایه اجتماعی، چرا سرمایه اجتماعی اهمیت دارد؟ و اندازه‌گیری و تعاریف عملیاتی سرمایه اجتماعی، پرداخته شده است.

در فصل سوم با عنوان «منابع سرمایه اجتماعی»، ملاحظات نظری از منظر نهادی ارائه شده است.

فصل چهارم به «سرمایه اجتماعی در ایران» می‌پردازد که در آن شاخص‌ها و عوامل به وجود آورنده سرمایه اجتماعی در کشورمان و بحث‌هایی درباره هر یک از آنها ملاحظه می‌شود.

فصل پنجم نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاداتی درباره مدیریت سرمایه اجتماعی و ارائه راهکارهای ارتقای آن اختصاص یافته است.

۲. سرمایه و سرمایه اجتماعی

۱.۲. سرمایه و تعریف آن

تولید، رشد و توسعه اقتصادی به عواملی نیاز دارد که از جمله آنها سرمایه است. سرمایه شامل ماشین‌آلات، ابزارهای تولید، موجودی فیزیکی و ساختمان‌ها از این قبیل می‌باشد که مشخص کردن مقدار و تعداد فیزیکی آنها عملاً امکان‌پذیر نمی‌باشد و از این رو معمولاً ارزش پولی آنها در نظر گرفته می‌شود.

در بسیاری از نظریه‌های رشد اقتصادی کلاسیک، سرمایه فیزیکی به عنوان عامل اصلی مطرح بود؛ اما با پیشرفت نظریه‌ها، محوریت سرمایه فیزیکی در رشد اقتصادی با نقدهای جدی مواجه و نظریه‌های جدید طرح گردید.

امروزه سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، نهادی و از این قبیل علاوه بر سرمایه‌هایی که به صورت سنتی مطرح بودند، وارد ادبیات رشد و توسعه اقتصادی شده‌اند.

در تعریف سرمایه گفته‌اند: منبعی است که برای ایجاد ارزش افزوده به کار می‌رود؛ بدین ترتیب به منابعی که برای مصرف

داری طرح کرده بود، صاحب نظران بسیاری در حدود یکصد سال گذشته تعریفی از آن ارائه داده و عناصر محوری و مفهومی، معیار، واحد و هدف آن را مشخص کرده اند که در جدول یک، اصلی ترین موارد منعکس شده است.

جدول یک از ده ها تعریف که در منابع مختلف از سرمایه اجتماعی ارائه گردیده، انتخاب شده است و همان گونه که ملاحظه می شود، هر یک از صاحب نظران با هدف خاصی سرمایه اجتماعی را تعریف کرده و بر اساس مفاهیم محوری، معیار درونی و بیرونی و واحد تعریف، مشخص شده است که یک تعریف واحد از آنها قابل استخراج نمی باشد؛ اما تعاریف، کمابیش حول چند محور اصلی است که در این مقاله آن مشترکات با توضیحاتی که خواهد آمد، بیشتر مد نظر می باشد.

۵.۲. گستردگی سرمایه اجتماعی

در چند سال اخیر، سرمایه اجتماعی به طور گسترده در علوم اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است. هر چند که احتساب تعداد مقالات دانشگاهی تدوین شده درباره یک موضوع شاید بهترین راه برای درک تقاضای آن موضوع نباشد، با این حال تعداد مقالات علمی مربوط به سرمایه اجتماعی تا قبل از سال ۱۹۸۱ در مجموع ۲۰ مقاله بود که از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ به ۱۰۹ مقاله و از ۱۹۹۶ تا مارس ۱۹۹۹ تعداد مقالات به ۱۰۰۳ عدد رسید (هارپر، ۲۰۰۱: ۶) و این رشد همچنان ادامه دارد. با توجه به این مسأله می توان گفت که سرمایه اجتماعی مورد توجه فزاینده ای در جامعه علمی می باشد. همچنین جالب توجه است که تعداد زیادی از روزنامه نگاران و سیاستگذاران با این اصطلاح آشنا هستند و این اصطلاح در حال ورود به فضای عمومی جامعه است (فیلد، ۱۳۸۶).

توجه به سرمایه اجتماعی عکس العمل فردگرایی افراطی در جوامع غرب است که بازتاب آن در تئوری های علم اقتصاد به خوبی نمایان است؛ بویژه که با فروپاشی و کمرنگ شدن نظام های اقتدارگرا در جهان که بر جمع گرایی استوار بود، فردگرایی بیش از پیش تشدید شد.

و سر فرصت واری و همه اینها بدون هیچ ضمانت رسمی انجام می شود، در حالی که آن کیسه ممکن است صدها هزار دلار ارزش داشته باشد. واقعیت آن است که تاجران الماس از لحاظ پیوندهای خویشاوندی معمولاً بسیار بسته و در شهر نیویورک در دست یهودی هاست که ازدواج بین آنها نیز بالا، محل سکونتشان یک محله (بروکلین) و محل عبادتشان یک کنیسه است. اگر این اعتماد شبکه ای وجود نداشته باشد، عملکرد بازار کند و ناکارآمد می شود (کلمن، ۱۳۸۴).

۳.۲. مروری بر تاریخچه سرمایه اجتماعی

اصلاح سرمایه اجتماعی نخستین بار در سال ۱۹۱۶ توسط "هانی فان" مطرح شد که بر جنبه کار خیر، دلسوزی متقابل و رابطه اجتماعی تأکید داشت؛ اگرچه پیش از آن و در قرن نوزدهم، این مفهوم به صورت غیرمستقیم از سوی کارل مارکس طرح شده بود. پس از هانی فان، به مدت نزدیک به نیم قرن، اثر قابل توجهی در این باره منتشر نشد تا این مفهوم در اثر کلاسیک "جین جاکوب" (۱۹۶۱) با عنوان «مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکایی» مجدداً به کار گرفته شد. وی در این کتاب توضیح داده است که شبکه های اجتماعی فشرده در حومه قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند و در زمینه حفظ نظافت، نداشتن جرم و جنایت خیابانی و بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، مسؤولیت بیشتری از خود نشان می دهند. "گلن لوری" اقتصاددان همچون "ایوان لایت" جامعه شناس، اصطلاح سرمایه اجتماعی را در دهه ۱۹۷۰ برای توصیف مشکل توسعه اقتصاد درون شهری به کار برد. در اقتصاد گویا اولین بار "پیر بوردیو" از این عنوان استفاده کرده است ولی اولین نظریه ها را "کلمن" و "پاتنام" ارائه داده اند.

۴.۲. تعاریف صاحب نظران از سرمایه اجتماعی و عناصر محوری آنها

پس از مطرح شدن سرمایه اجتماعی که کارل مارکس آن را به معنای دیگری و در ارتباط با مفهوم انقلاب در برابر سرمایه

1. Jane Jacobs

2. The Death and Life of Great American

3. Glenn Loury

4. Ivan Light

5. Pierre Bourdieu

6. Coleman

7. Putnam

جدول ۱- تعریف سرمایه اجتماعی و مفاهیم، معیار، واحد و هدف از دیدگاه صاحب نظران

نام صاحب نظر سال ارائه	تعریف سرمایه اجتماعی	مفاهیم صورتی تعریف	معیار تعریف	واحد	هدف
هانی فان Hanifan ۱۹۱۶	چیزی است که اشیای ملموس را در زندگی روزمره اکثریت مردم با معنا و ارزشمند می سازد؛ یعنی کار خیر، دوستی، دلسوزی متقابل و رابطه اجتماعی گروهی از افراد و خانواده ها که با یکدیگر واحدی اجتماعی می سازند.	نیت و قصد خیر، دوستی، علاقه مندی و جذب دوسویه، روابط اجتماعی، احترام متقابل و تیمارگری	درونی	فرد، خانواده، گروه	ساختن اجتماع محلی
جان جاکوبز J. Jacobs ۱۹۶۱	شبکه های شهری، سرمایه اجتماعی بدون جایگزین شهر است و هر سرمایه ای از کف برود بررسی گردد مگر سرمایه جدیدی دوباره ایجاد نشود.	شبکه های اجتماعی مستتر در همسایگی	درونی	گروه، شهر	بهداشتی، شبکه سازی
لوری Loury ۱۹۷۷	سرمایه اجتماعی کمک افراد به یکدیگر به شکل مناسبی است که در اختیار یکدیگر قرار می دهند و لذا زمینه تبعیض نسبت به دیگران را فراهم می آورند، در مسیر ترقی هیچ کس به تنهایی سفر نمی کند.	فرصت خلق سرمایه	بیرونی	گروه، طبقه اجتماعی، سیستم، ساختار	ناابرابری
پیر بوردیو P. Bourdieu ۱۹۸۶	مجموع منابع بالفعل و بالقوه که به داشتن شبکه پایداری از روابط متقابل کم و بیش نهادینه شده ناشی از اشیایی مورد پذیرش قرار گرفتن و شناخته شده بودن متصل و مربوط است.	شبکه اجتماعی، عضویت اجتماعی، شدن در شرف، اختراجه، تعلیم و تربیت، ارتباط متقابل، منابع، دسترسی، کشتگر، ساختار اجتماعی.	بیرونی	فرد، گروه، نهاد	بهداشتی، شبکه سازی
جیمز کلنن J. Coleman ۱۹۸۸	جنبه هایی از ساختار اجتماعی که اعضا از آن به عنوان منبعی برای رسیدن به منافع خود استفاده می کنند.	اعتماد، اختیار، تعهدات، انتظارات، ارزش ها و هنجارها	درونی بیرونی	فردی، گروهی و جمعی	رسیدن به سرمایه انسانی، اجتماعی و توسعه سیاسی
گری بکر G. Baker ۱۹۹۰	منبعی که از طریق دگرگونی در روابط متقابل به دست می آید و کنشگر از ساختارهای اجتماعی خاصی، آن را به کف می آورد و برای رسیدن به علائق و منافع خود به کار می برد.	منافع فردی و جمعی روابط متقابل منابع	بیرونی	فرد، گروه	منافع گروهی، فردی
پاتنم Putnam ۱۹۹۵	خصایص یا مشخصات سازمان اجتماعی مانند(شبکه ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی) را در بر می گیرد که همکاری متقابل و هماهنگی در جهت منافع مشترک را تسهیل می کنند.	ویژگی سازمان اجتماعی، شبکه اجتماعی	درونی	فرد، گروه	منافع فردی، گروهی
اینگهارت Inglhart ۱۹۹۷	سرمایه اجتماعی فرهنگ اعتماد و معنویت که درون آن شبکه های گسترده کنش های دلخواهانه پدید می آید.	فرهنگ اعتماد و معنویت، شبکه انجمن های حامیانه، توسعه نوع جمعی	درونی	فرد، گروه	منافع فردی، گروهی
فوکویاما Fukuyama ۱۹۹۷	مجموعه ای از ارزش ها یا هنجارهای غیررسمی که اعضای یک گروه مشترکاً بدان ها باور دارند و همکاری بین آنان را مجاز می شمارد و تسهیل می کند.	ارزش ها و هنجارهای غیررسمی مشترک بین اعضای گروه، تعاون و همکاری	درونی	فرد، گروه	منافع فردی، گروهی
برهم و راین Bram & Rahn ۱۹۹۷	رشته روابط متقابل همکاری بین شهروندانی که عمل مشترکانه عمل جمعی را تسهیل می کند.	روابط متقابل اجتماعی، رفتار فردی، وجهه اجتماعی	درونی	گروه	منافع فردی، گروهی
وول کاک و نارایان Woolcock & Narayan ۲۰۰۰	هنجارها و شبکه هایی که به مردم برای کنش جمعی پاری می رساند، مهم آن نیست که چه می دانی، مهم آن است که چه کسی را می شناسی.	هنجارها، شبکه ها، عمل جمعی	درونی	ساختار اجتماعی	منافع جمعی
جوزف استیگلیتز Joseph Stiglitz ۲۰۰۲	تخصیص منابع برای منافع که جامعه را به هم پیوند می زند سرمایه اجتماعی گویند.	مبادله اطلاعات، فرصت های اجتماعی، شبکه اجتماعی، کنش های اجتماعی	درونی	ساختار اجتماعی	منافع جمعی
چای یوش و همکاران Chay yue et. Al. ۲۰۰۵	سرمایه اجتماعی با در اختیار قرار دادن دانش مفید در مورد فرصت های موجود، از طریق شبکه پیوندها، کنش های افراد درون ساختار اجتماعی را تسهیل می کند.	مبادله اطلاعات، فرصت های اجتماعی، شبکه اجتماعی، کنش های اجتماعی	درونی	فرد و جمع	منافع فردی و جمعی

۶.۲. چرا سرمایه اجتماعی (و شبکه‌ها) اهمیت دارد؟

نظریه سرمایه اجتماعی به طور ذاتی بسیار ساده است. ایده محوری آن را می‌توان در واژه «روابط» خلاصه کرد. اعضای جامعه با برقراری تماس با یکدیگر و پایدار ساختن آنها قادر به همکاری با یکدیگر می‌شوند و به این طریق چیزهایی را کسب می‌کنند که به تنهایی قادر به کسب آنها نمی‌باشند و یا با دشواری بسیار موفق به کسب آنها می‌شوند. انسان‌ها از طریق مجموعه‌ای از شبکه‌ها به هم متصل می‌شوند و تمایل دارند ارزش‌های مشترکی با سایر اعضای این شبکه‌ها داشته باشند. با گسترش شبکه‌ها آنها نوعی دارایی را تشکیل می‌دهند که می‌توان آن را به عنوان نوعی سرمایه مورد ملاحظه قرار داد. این سرمایه، همان قدر که در زمینه اولیه خود مفید است، می‌تواند در سایر زمینه‌ها هم مفید باشد. در مجموع بدیهی است که هر چقدر افراد بیشتری را بشناسید و هر چقدر دید مشترکی بیشتری با آنها داشته باشید، شما سرمایه اجتماعی غنی‌تری خواهید داشت (فیلد، ۱۳۸۶).

سازمان‌های جدید از طریق قوانین اداره می‌شوند. برای اتخاذ و اعمال تصمیمات، رویه‌های پذیرفته شده وجود دارند و معمولاً مسؤولیت‌ها نسبت به موقعیت تا نسبت به فرد، تعریف می‌شوند؛ اما هنگامی که افراد می‌خواهند کاری را انجام دهند، بیشتر آنها به این رویه‌ها و مسؤولیت‌های رسمی توجهی نمی‌کنند و به افرادی مراجعه می‌نمایند که آنها را می‌شناسند. تصمیمات مهم اغلب دارای مقداری مخاطره^۱ و عدم قطعیت^۲ هستند؛ اگر شخصی به دنبال یک شغل جدید باشد یا بخواهد شغلی را به کسی واگذار نماید، اگر به دنبال شخصی برای تعمیر اتومبیل خود باشد یا بخواهد کسی ماشین لباسشویی‌اش را تعمیر کند، اگر قصد انتقال خانه یا تغییر دکوراسیون شرکت را داشته باشد، یا اگر بخواهد بهترین مدرسه یا بیمارستان را پیدا کند، استفاده از رویه‌های رسمی، تضمین‌کننده موفقیت نمی‌باشد. برای انجام این کارها، اغلب افراد ترجیح می‌دهند که از نظام رسمی صرف نظر کنند و به افراد آشنا مراجعه نمایند. تماس با دوستان مورد اعتماد، فامیل یا آشنایان اضطراب کمتری را در بر دارد تا رویه روشن شدن با نظام‌های اداری و اغلب روش اول سریع‌تر انجام می‌پذیرد و نتیجه

مطلوب‌تری را هم ارائه می‌دهد(همان).

بنابراین شبکه‌های افراد واقعاً مهم هستند. همان طور که گفته‌اند، آنچه می‌دانید مهم نیست، آنهایی را که می‌شناسید مهم است. البته دقیق‌تر این است که هم آنچه می‌دانید و هم آنهایی را که می‌شناسید مفید باشند. اگر افراد برای کمک به شما احساس تکلیف نکنند، صرف شناخت آنها به شما کمکی نخواهد کرد. اگر افراد در صدد کمک به یکدیگر هستند می‌بایست نسبت به این کار احساس مطلوبی داشته باشند؛ این بدان معناست که آنها باید تا حدی احساس مشترک نسبت به همدیگر داشته باشند. اگر آنها دارای ارزش‌های مشترکی باشند، بیشتر تمایل به همکاری برای نیل به اهداف مشترک خواهند داشت.

۷.۲. اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی

در مدل‌های اندازه‌گیری مستقیم سرمایه اجتماعی، به اندازه‌گیری اجزای سرمایه اجتماعی از قبیل شرکت در انجمن‌ها، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و همکاری داوطلبانه با سازمان‌های مدنی و به ویژه به سنجش هنجارها، شبکه‌ها و اعتماد پرداخته‌اند. در مدل‌های زیادی اعتماد به عنوان شاخص مهم سرمایه اجتماعی، اندازه‌گیری شده است. اعتماد مردم به یکدیگر و اعتماد مردم به دولت از مهم‌ترین این عناصر می‌باشد که پاتنام با این روش بررسی‌هایی انجام داده و در ایران نیز مطالعاتی در این باره با روش پرسش‌نامه با «شاخص (طیف) لیکرت» انجام شده و مطالعه شارع پور (۱۳۸۳) از آن جمله است که شرکت در مجامع را برای سنجش سرمایه اجتماعی، اندازه‌گیری کرده است.

برای تخمین ذخیره سرمایه اجتماعی ملت که با مشکلات سنجش همراه است، یک روش جایگزین وجود دارد. به جای اندازه‌گیری به عنوان یک ارزش مثبت، می‌توان نبود سرمایه اجتماعی یعنی انحرافات اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات و موارد مشابه را به روش‌های مرسوم اندازه‌گیری کرد. فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی، وجود هنجارهای مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند، انحرافات اجتماعی نیز بالفعل بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود (فوکویاما، ۱۳۸۵).

گری مجموعه ای از نهادهایی که تقریباً به وسعت و گستردگی خود جامعه هستند، انجام می پذیرد. خانواده ها، مدارس، کلیساها [در کشورمان مساجد و حسینیه ها] و انجمن های داوطلبانه، انجمن های تخصصی، فرهنگ عمومی و غیره از آن جمله است (همان).

چنانچه "جیمز کلمن" خاطر نشان ساخته است، سرمایه اجتماعی یک خیر همگانی است و بنابراین همه بازارها باید برای آن سرمایه گذاری کنند؛ اما بسیاری از مردم در جوامع کوچک خود برای آن سرمایه گذاری می کنند؛ اما به دلایلی عقلانی در خارج از جوامع خود حاضر نیستند برای افزایش آن سرمایه گذاری نمایند؛ درحالی که تقاضای آن در جامعه ما رو به فزونی و عرضه آن محدود شده است.

اینکه پایه های اعتماد چگونه شکل می گیرد و ارتقا می یابد و انگیزه های مشارکت و همکاری در سطح ملی که اساس سرمایه اجتماعی در سطح ملی است چگونه به وجود می آید، موضوعی مهم است.

از دیدگاه نهادی، سرمایه اجتماعی یک متغیر وابسته است و ظرفیت گروه ها برای عمل کردن به خاطر نفع جمعی را وابسته به کیفیت نهادهای رسمی می داند و چگونگی عملکرد دولت ها و بنگاه ها نیز به نوبه خود وابسته به انسجام درونی، اعتبار و صلاحیت درونی و پاسخ گویی به جامعه است.

سرزندگی شبکه های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است. یک سری مطالعات گسترده در زمینه سرمایه اجتماعی و توسعه انجام شده که روی هم رفته، پیام کلی آنها روشن است: فساد فراگیر، کندی کار اداری، سرکوبی آزادی های مدنی، نابرابری گسترده، تنش های تفرقه انگیز قومی و تضمین نداشتن حقوق مالکیت، اصلی ترین موانع هستند (ولکاک و نارایان، ۱۳۸۵).

تکیه بر نهادها راهی برای غلبه بر کمبود ساختاری اعتماد در همه ابعاد است. نهادهایی همچون سنت ها ضامن اجرای خود هستند و از طریق نظام هدایت و اصلاح خود را تصحیح می کنند؛ مثلاً ما مجبور نیستیم که به پزشک لزوماً به عنوان یک فرد اعتماد کنیم، کافی است که او از دانشگاه پزشکی معتبری (که تبدیل به نهاد با اعتباری شده) فارغ التحصیل شده باشد و

که به صورت مدل اندازه گیری غیرمستقیم سرمایه اجتماعی تخمین زده می شود که افزایش جرایم و بزه و تعداد زندانیان در هر یکصد هزار نفر، برخورد قهرآمیز با مخالفان (عدم تساهل و تسامح) و نزاع های جمعی را با کاهش سرمایه اجتماعی معادل سازی می کند. فوکویاما سرمایه اجتماعی را در آمریکا با این روش اندازه گیری کرده و در ایران نیز برای نمونه میرطاهر موسوی (۱۳۸۵) در سنجش سرمایه اجتماعی، از هر دو روش مستقیم و معکوس استفاده نموده است.

۸.۲. تعاریف عملیاتی سرمایه اجتماعی

مدل های اندازه گیری در واقع بر اساس تعاریف عملیاتی تدوین می شوند که در مدل ها، اعتماد یکی از مهم ترین وجوه سرمایه اجتماعی است.

در تعریف عملیاتی مستقیم سرمایه اجتماعی نیز اعتماد می باید دقیقاً مشخص شود که منظور از آن چیست؟ اعتماد بین مردم، از دوستان نزدیک شروع می شود تا به دوستان دورتر و آشنایان و سپس افراد دیگر می رسد. درباره دوستان نزدیک، قرض دادن وجه نقد و یا به امانت دادن وسایل کار تا افراد دیگر (غریبه ها) که با اعتماد به صداقت گفتار آنان ارزیابی می شود. در استفاده از شبکه نیز تعریف عملیاتی آن عبارت است از: روابط رسمی و غیر رسمی افراد جامعه (مورد مطالعه) با یکدیگر که با میزان تعامل و گفت و گو با یکدیگر که از اعضای خانواده شروع می شود و سپس به ملاقات با خویشاوندان و آشنایان (در مورد روابط غیررسمی) و شرکت در جلسات اداری مرتبط با شغل، روابط دوستانه با مأموران شهری و دولتی و از این قبیل (روابط رسمی) می رسد.

در تعریف عملیاتی غیرمستقیم نیز، تعداد پرونده های قضایی در یک دوره معین، تعداد زندانیان در هر یکصد نفر از جمعیت، تعداد نزاع ها در منطقه مورد بررسی در یک دوره معین و به خصوص لشکرکشی های طایفه ای علیه طوایف دیگر و از این قبیل منظور می گردد.

۳. منابع سرمایه اجتماعی

۱.۳. ملاحظات نظری از منظر نهادی

فراهم ساختن و تدارک سرمایه اجتماعی با واسطه و میانجی

• عوامل تأثیرگذار بر سطح سرمایه اجتماعی و راهکارهای ارتقای آن

از نهادهای مربوطه مجوز طبابت دریافت کرده باشد؛ که در آن صورت روابط اعتماد فردی را غیرضروری می سازد و از طرفی در دنیای امروز، روابط اعتماد فردی در سطح گسترده غیرممکن شده است. اگرچه در دنیای واقعی نهادهایی ایده آل با چنین خصوصیتی چندان یافت نمی شوند (أفه، ۱۳۸۴).

۱.۱.۳. نهادها اعتماد را تعمیم می دهند. ما به غریبه ها اعتماد می کنیم اگر در چارچوب درستکاری و اعتبار نهادی با آنها مواجه شویم. حقیقت، ارزش اعتمادساز اصلی در بسیاری از الگوهای نهادی است؛ از مطبوعات گرفته تا احزاب، دادگاه ها و سازمان ها و دانشگاه ها. مشاهده، مستندسازی و محاکمه و اجرای وعده ها بر اساس حقیقت و ابراز بی طرفانه وقایع، اعتماد ایجاد می کند.

وفای به عهد به ویژه پای بندی به قراردادهای نیز با حقیقت پیوند دارد. قراردادهای را می توان به کمک نظام قضایی ضمانت بخشید. سیاستگذارانی که به دلیل فقدان تلاش یا انگیزه حتی ناشی از شرایطی که خارج از توان آنهاست، توان اجرای تعهدات و وعده های خود را نداشته باشند، سطح اعتماد عمومی را کاهش می دهند.

۲.۱.۳. نهادهایی که عملکردی منصفانه و بی طرفانه دارند، به تعمیم اعتماد کمک می کنند. برابری در مقابل قانون و مساوات در مشارکت سیاسی، نمونه های استاندارد هستند. برای گسترش اعتماد در میان غریبه ها، نظامی که این غریبه ها تابع آن هستند، باید فارغ از تعلقات گروهی، ترجیحات و پیش داوری ها باشند و دسترسی به آن برای همه به یک سان امکان پذیر باشد.

نظام نهادی، با رفع نابرابری فرصت های زندگی که به افراد تحمیل شده، می تواند اعتماد را افزایش دهد. حذف حقوق اجتماعی فراتر از قانون و حمایت های گزینشی و ایجاد دسترسی یکسان به فرصت ها، سنگ بنای اعتمادآفرینی و ایجاد همبستگی است. و ناتوانی نهادها در رعایت این معیارها، دلیل اصلی سلب اعتماد مردم است.

هر چه نابرابری ثروت بیشتر باشد، برقراری ارتباط، مشارکت و صداقت متقابل دشوارتر می شود. از سوی دیگر در جامعه ای که مردم آن دارای حس مشارکت متقابل هستند، اجازه نمی دهند

سیاست هایی شکل بگیرد که شکاف بین فقرا و ثروتمندان بیشتر شود (پاتنام، ۱۳۸۵).

نتایج یک تحقیق نشان می دهد، در محلات آمریکا که درآمد برابرتر توزیع شده، میزان شرکت در مراسم کلیسا، عرضه خدمات محلی و تعداد گروه های سیاسی و دیگر سازمان های اجتماعی (شاخص های سرمایه اجتماعی) بیشتر است؛ اما در مناطقی که به لحاظ نژادی و قومی متنوع ترند، میزان مشارکت به طور معنی داری کمتر است (باولز، ۱۳۸۵).

انسجام جامعه با میزان نابرابری ارتباط مستقیمی دارد؛ به گونه ای که انسجام و نابرابری دو گرایش متضاد در ساختار اجتماعی هستند. افزایش برابری اجتماعی با روابط اجتماعی مبتنی بر همکاری و حمایت از یکدیگر، همخوانی دارند (وینسترا، ۱۳۸۵).

هر نشانه ای که دال بر ناتوانی در پای بندی به قراردادهای و وعده ها، تبعیض و اعطای امتیازهای ناعادلانه و ضعف در جبران دست کم برخی از نابرابری های عمده اجتماعی، دلیل مشروعی برای بی اعتمادی و در نهایت بدبینی نظام مند است. دلیل اینکه برخی به هیچ کس اعتماد نمی کنند این نیست که دیده اند هیچ کس شایسته اعتماد نیست؛ چون چنین مشاهده ای غیر ممکن است؛ بلکه درک ناتوانی نهادها در اجرای تعهدات خود، آنان را به این فکر می اندازد که نهادها برای او معنا ندارند.

۳.۱.۳. هویت و معرفت

بررسی حلقه ظهور و تداوم هنجار - به عنوان یکی از ارکان اصلی در تشکیل شبکه های اجتماعی - نشان می دهد که پیدایش یک هنجار از ارزش های درونی فرد آغاز می شود و از طریق رفتارهای یکپارچه تداوم می یابد.

هر فرد به دو روش ارزش های درونی خود را شکل می دهد:

الف- القایی

ب- ادراکی

منظور از روش القایی این است که فرد بدون آنکه در تشکیل ارزش درونی القاء شده، به لحاظ درک عقلی نقشی داشته باشد، آن را پذیرفته است و در عمل و از طریق کنش های خود به آن پای بند است؛ مانند نحوه پوشش که اقوام مختلف به دلیل سنتی

۱. تا جایی که برخی صاحب نظران ابراز داشته اند: زندگی در حقیقت اگر نگوییم تنها هدف است می توان گفت یکی از برترین هدفهاست.

که به آن پای بند هستند، آن را پذیرفته اند و رعایت می نمایند. در مقابل روش ادراکی در تشکیل ارزش های درونی فرد به این مفهوم است که فرد با اختیار خود و از طریق درک عقلی به آن دست یافته است مانند کسب دانش.

بنابراین می توان دو نوع منبع را بر تشکیل ارزش های درونی افراد مؤثر دانست:

۱.۳.۱.۳. منابع هویت: منابعی که موجب القاء ارزش های درونی به فرد می گردند و او در تشکیل آنها دخالتی ندارد؛ مانند: قوم، نژاد، ایدئولوژی، مذهب و... که مجموعه باورها، ارزش ها و معیارهای فرد را القاء می نمایند که "فالفک" و "کیلیپاتریک" از آن به عنوان منابع هویت یاد می کنند.

۲.۳.۱.۳. منابع معرفت: منابعی که موجب ادراک ارزش درونی توسط فرد می شوند و او در تشکیل و اکتساب آنها دخالت می کند که اساس آن بر پایه خرد بوده و از طرق گوناگون - مانند جریان دانش، شبکه های درونی و بیرونی جامعه، مهارت ها و دستورالعمل ها و پایگاه های ارتباط - کسب می شوند. که بر اساس نظریه "فالفک" و "کیلیپاتریک" به عنوان منابع معرفت می شناسیم.

بنابراین از آن جا که ظهور و تداوم هنجارها ریشه در ارزش های درونی افراد دارد و از طرف دیگر هنجارها به عنوان یکی از ارکان اصلی در تشکیل سرمایه اجتماعی دارای نقش می باشند، دو منبع به وجود آورنده ارزش های درونی افراد به صورت القایی یا ادراکی، منابع سرمایه اجتماعی خواهند بود.

به روشنی می توان دریافت که وجود منابع هویت و منابع معرفت (منابع سرمایه اجتماعی) در هر جامعه، پایه و اساس ارزش های درونی افراد جامعه است که از طریق کنش های فردی امکان ظهور هنجار را به وجود می آورد. ظهور و تداوم هنجارهای پایه ای برای تشکیل سرمایه اجتماعی است. بنابراین هر چند منابع سرمایه اجتماعی به صورت بالقوه، قابلیت ایجاد سرمایه اجتماعی را در بردارد؛ اما برای بالفعل شدن آن نیازمند ظهور اعتماد و شبکه های اجتماعی است که به آن «ابزارهای علی» اطلاق می شود. در واقع هنجارها و شبکه های اجتماعی، ابزارهایی هستند که قابلیت تشکیل سرمایه اجتماعی از منابع

آن را بالفعل می سازند.

فالفک و کیلیپاتریک معتقدند، وجود منابع هویت و معرفت از طریق تعامل با یکدیگر منجر به بروز رفتارهای همکاری (بر اساس اعتماد) به منظور تأمین منافع مشترک می گردد (تشکیل سرمایه اجتماعی) (مؤیدفر، ۱۳۸۵).

همچنان که "برم و همکار" (۱۹۷۷)، "گلیزر و همکاران" (۲۰۰۰) و "افه و فوش" (۲۰۰۲)، آموزش و نیز "افه و همکار" دین‌باوری و تعهد دینی (به عنوان وجهی از هویت) را بر ارتقاء سرمایه اجتماعی بسیار مؤثر دانسته اند (ناطق پور و همکار، ۱۳۸۵).

از نظر تأثیر هویت بر سرمایه اجتماعی آن چنان که فوکویاما می گوید سرمایه اجتماعی در جایی یافت می شود که سنت جامعه عمیقاً در تاریخ یک قوم یا ملت ریشه داشته باشد.

"ابن خلدون" در قرن چهاردهم روح جمعی یا عصیبت را عامل پیروزی اسلام می دانست که وقتی آن روح بر اثر نفاق های داخلی در هم شکست، اعراب سلطه خود را از دست دادند. قدرتی که بعد از آن سر بر داشت، غرب بود؛ دقیقاً بدان سبب که غربی ها به جای وفاداری به دسته و قبیله به الگویی روی آوردند که اساسش بر حقوق فردی و همبستگی قرار داشت که شکلی از سرمایه اجتماعی است (مرنیسی، ۱۳۸۵).

اهمیت سرمایه اجتماعی را در زمینه معرفت و گردش آزادانه آن در سازمان سلسله مراتبی می توان در حوزه اقتصاد اطلاعات درک کرد. در حالی که خود جریان تولید مادی را ساخت رسمی قدرت تعیین می کند؛ اما جریان اطلاعات به شیوه ای بسیار پیچیده تر ادامه می یابد. از آنجا که اطلاعات به طور فزاینده ای پس از استفاده بازتولید می شود و به علاوه بهای آن به شدت کاهش می یابد با انواع تولیدات دیگر متفاوت است؛ یعنی بعد از تولید، نسخه های بعدی آن رایگان می شوند. این بدان معناست که اطلاعاتی که در یک سازمان تولید می شود، باید به مطلوبترین نحو به طور رایگان به تمام بخش های سازمان انتقال یابد و مورد استفاده قرار گیرد. که در آن صورت اعتماد کارکنان را به سازمان افزایش می دهد. البته علت این که اطلاعات به طور آزاد جریان نمی یابد، این است که اطلاعات قدرت است و سازمان ها تمایل

چندانی ندارند که قدرت خود را با کارکنان تقسیم نمایند و از طرف دیگر توزیع یا نگهداری اطلاعات یکی از راه های اصلی است که کارگزاران گوناگون درون یک سازمان از طریق آن می کوشند نسبت به عاملان دیگر، قدرت خود را به حداکثر برسانند. هر کس که در یک سازمان سلسله مراتبی کار کرده است، می داند که بین فرادست ها و فرودست ها برای کنترل اطلاعات نبردی مداوم در جریان است؛ عدم ارائه اطلاعات توسط کارمندان بی اعتماد، غالباً قوی ترین اهرم این افراد در مقابله با مدیران ارشد است (فوکویاما، ۱۳۸۵). کریشنا و همکاران (۲۰۰۲) نیز بر وفور، توزیع و گردش اطلاعات در رشد سرمایه اجتماعی تأکید کرده اند (فیروزآبادی و همکار، ۱۳۸۵).

به این ترتیب هر اندازه که دانش و اطلاعات در سازمان ها و در شکل تعمیم یافته تر آن در جامعه بیشتر توزیع شود، سرمایه اجتماعی را در سازمان و جامعه افزایش می دهد که البته در نظریه انتخاب عقلایی، دانش و اطلاعات زمانی از سوی مدیران و کارمندان در سطح سازمان و حاکمیت و جامعه مدنی در سطح اجتماعی، تولید و انتشار می یابد که منافی هم برای آنان در نشر اطلاعات متصور شویم؛ که این منافع زمانی محتمل است تأمین شود که لاقلاً سوءاستفاده از اطلاعات-به ویژه علیه دیگران- به عمل نیاید و آن مستلزم وجود حداقلی از اعتماد است و از این رو گفته می شود، سرمایه اجتماعی فرایندی خودافزاست.

و اگر منافع افراد در انجام وظیفه آنان نادیده گرفته شود، سرمایه اجتماعی در سراسرایی افول قرار می گیرد؛ چنانچه این اتفاق در کشورهای سوسیالیستی رخ داده است.

دولت سوسیالیستی در شوروی امید داشت که همه نهادها را شورایی و جمع گرا کند و انسانی بیافریند که به جای پی گیری منافع شخصی خود به منافع جمعی بیندیشد و همه نظام تولید اندیشه، آموزش، ایدئولوژی و رسانه ها دست به کار تحقق این مأموریت شدند و پس از دهه ها تلاش، نتیجه این بود که هم کارکنان دولتی و هم عموم مردم -بیش از گذشته- تأمین منافع فردی را در رأس اهداف خود قرار داده بودند.

باید توجه داشت که از طرفی، نظم اجتماعی و اعتماد در جامعه مدرن آمیزه ای از ابزارهای اقتصادی است که فعالیت ها را در بازار هماهنگ می کند؛ قدرت مقبول که با وضع و اجرای

عدالانه قانون، اقدامات شهروندان را با محدود کردن مشروع، امکان پذیر می سازد و دانشی که تولید می شود، از طریق شبکه ها و سازمان های بوروکراتیک و حرفه ای، رسانه های همگانی و نهادهای آموزشی، توجه و آگاهی اجتماعی و مهارت های شناختی را به گونه ای ارتقا می دهد که درباره مشکلات کنش گران، به بهترین نحو پاسخ گو باشد(أفه، ۱۳۸۴).

از طرف دیگر، رابطه اجتماعی غالب در حوزه فرهنگ از نوع رابطه گفتمانی است. این رابطه، نوعی رابطه نمادی است که در آن پیام ها، اطلاعات و معارف گوناگون رد و بدل می شوند. این ارتباط می تواند چهره به چهره و یا به صورت تصویری، صوتی، نوشتاری یا ترکیبی از آنها و به انحاء مختلف از راه دور یا غیرمستقیم به طور یک سویه یا دو سویه تحقق یابد.

قلت و ضعف روابط گفتمانی، گونه ای اختلال رابطه ای محسوب می شود و برعکس به دنبال افزایش روابط گفتمانی:

۱. ارتقاء اجتماعی در بعد فرهنگی تسهیل می گردد.

۲. سطح فرهیختگی جامعه و اعضای آن افزایش می یابد.

۳. حجم و سرعت اطلاعات در عرصه جامعه افزایش می یابد.

۴. سطح آمادگی جامعه برای حل عقلانی تناقضات منطقی- فرهنگی در حوزه های گوناگون بیشتر می شود.

با افزایش روابط بین گروهی، شرایط ذهنی برای همکاری و همیاری اجتماعی افزایش و تنش ها و تناقضات بین گروهی کاهش می یابد و تعهدات عمومی کنش گران فردی و جمعی را در قبال یکدیگر و در مقابل جامعه افزایش می دهد و موجب اعتماد متقابل تعمیم یافته و تقویت انسجام ملی می شود.

با افزایش روند مزبور، مدیریت رفتارهای اجتماعی تقویت و قابلیت جامعه برای حل مسالمت آمیز آنها افزایش می یابد و امکان تعدیل و تصحیح روند جامعه از طریق مباحثات انتقادی گسترش و واقع گرایی در تعیین اولویت ها و اهداف به تدریج افزایش می یابد و جامعه از افراط و تفریط در امان می ماند (برداشت از چلبی، ۱۳۸۶).

۴.۱.۳. وضعیت دارایی افراد نیز در سرمایه اجتماعی مؤثر است. وضعیت دارایی افراد عمدتاً تحت تأثیر عملکرد اقتصادی در سطح کلان و درآمد سرانه قرار دارد که بر عملکرد آموزش،

۱. تهیه سازوکارهای سنجش و ارزیابی سرمایه اجتماعی کشور و ارائه گزارش سالانه و بررسی علل و عوامل تأثیرگذار بر آن

۲. تصویب سازوکارهای اجرایی لازم جهت افزایش سرمایه اجتماعی اعم از اعتماد عمومی، وفاق اجتماعی و قانون گرایی

۳. ارزیابی و انتشار گزارش‌های رضایت‌مندی عمومی به صورت سالانه و تحلیل تغییرات آن در اثر عملکرد عمومی حاکمیت

۴. تدوین طرح جامع مشارکت و نظارت مردم، سازمان‌ها، نهادهای غیردولتی و شوراهای اسلامی در توسعه پایدار کشور و فراهم کردن امکان گسترش کمی و کیفی نهادهای مدنی با اعمال سیاست‌های تشویقی.

همچنین دولت موظف شده به منظور ارتقاء حقوق انسانی و تربیت نسلی فعال، مسؤولیت پذیر و رضایت مند با سازگاری اجتماعی و متعهد به انقلاب و نظام و شکوفایی ایران اسلامی و مفتخر به ایرانی بودن به پرورش فرهنگ قانون مداری و نظم با تأکید بر توانمندسازی زنان و جوانان و حمایت از حقوق آنان و نیز تبیین و تقویت جایگاه جوانان در جامعه به عنوان سرمایه انسانی و اجتماعی اهتمام ورزد که بر حفظ و ارتقاء هویت اسلامی - ایرانی نیز در برنامه تأکید شده است (ماده ۱۰۶).

اگرچه گزارشی از مطالعات ملی درباره ارزیابی سرمایه اجتماعی در کشور پس از سال ۱۳۸۲ به صورت رسمی منتشر نشده برخی مطالعات غیردولتی انجام و گزارش‌های آن در منابع علمی و اقتصادی انتشار یافته که در فصل‌های آتی به آنها پرداخته شده است.

۱.۴. تحولات سرمایه اجتماعی در ایران

در مورد ارزیابی و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در ایران، مطالعات محدودی عمدتاً در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ و نیمه اول دهه ۱۳۸۰ انجام شده است که به نتایج اصلی‌ترین مطالعات می‌پردازیم.

فرامرز رفیع پور در مطالعه‌ای که در سال ۱۳۷۸ منتشر کرده است، حدود ۲۰ سال از زمان انقلاب را در ۴ مقطع ۱۳۵۶، ۱۳۶۵، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۳ بررسی نموده و نتیجه‌گیری کرده است که سرمایه اجتماعی در ۱۰ سال اول از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۵

سلامت جسمانی و فکری اثرگذار است. چنانکه "برم" (۱۹۹۷) و "افه و فوش" (۲۰۰۲)، درآمد خانوار و "گلیزر" (۲۰۰۱)، مالکیت منزل مسکونی و "پاتنام" (۲۰۰۰)، دستمزد و رونق اقتصادی را بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی مؤثر دانسته‌اند (ناطق پور و همکار، ۱۳۸۵).

تحقیقی که در شیکاگو انجام شده، نشان می‌دهد که اجتماعاتی که در آنها میزان مالکیت مسکن بالاست، سطوح بسیار بالاتری از کارآیی جمعی را به نمایش می‌گذارند. همچنین کارگرانی که مالک کارخانه‌اند، تلاش جمعی بیشتر دارند و موفق‌ترند و نتیجه‌گیری شده است: برای آنکه اعضای اجتماع، مالک ثمرات موفقیت تلاش خود باشند، لازم است همگی مالک حداقل بخشی از [دارایی‌هایی باشند که با آن کار می‌کنند (باولز، ۱۳۸۵).

از سوی دیگر فقر گسترده و جامعه فقیر مانع بزرگی در ایجاد و ارتقای سرمایه اجتماعی است.

فقر به معنای محرومیت از به فعلیت درآوردن قابلیت‌ها، مفهومی عمیق‌تر از سطح نازل درآمدها و ناتوانی فرد در برآورده ساختن نیازهای اولیه و اساسی دارد؛ یعنی فقر هنگامی وجود خواهد داشت که فرد محروم از فرصت‌های واقعی برای اجتناب از گرسنگی یا سوء تغذیه یا بی‌خانمانی و همچنین فاقد قابلیت حضور در اجتماع بدون شرم و مشارکت در زندگی اجتماعی باشد (سن، ۱۳۸۶).

۴. سرمایه اجتماعی در سند چشم‌انداز و برنامه چهارم توسعه

در سند چشم‌انداز ج.ا. ایران، جامعه ما را در افق بیست ساله برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری و متکی به سهم برتر نیروی انسانی و اجتماعی در تولید ملی معرفی کرده است.

همچنین طبق ماده ۹۸ برنامه چهارم توسعه کشور^۱، دولت مکلف شده برای حفظ و ارتقاء سرمایه اجتماعی، ارتقاء رضایت‌مندی عمومی و گسترش نهادهای مدنی، طی سال اول برنامه چهارم، اقدام‌هایی را انجام دهد که اهم آنها به قرار زیر است:

۱. مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ برای اجرا در سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ در کشور.



• عوامل تأثیرگذار بر سطح سرمایه اجتماعی و راهکارهای ارتقای آن

افزایش داشته و پس از آن در مقاطع بعدی کاهش یافته است (رفعی پور، ۱۳۷۸).

پس از مطالعه فوق، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دو نوبت مطالعه میدانی وسیعی را در تمامی استان های کشور اجرا نموده که نتایج آنها با نتیجه گیری مطالعه فوق، برای مقطع مورد مطالعه هم خوانی دارد (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹).

نتایج مطالعه نشانگر گسترش شاخص های بی اعتمادی و بدبینی، کاهش احساس همبستگی و پیوند اجتماعی، افزایش احساس بی عدالتی اجتماعی اعم از بی عدالتی قانونی و بی عدالتی در فرصت ها، بی اعتمادی در امر رعایت ملاک های شایستگی و کاردانی و کاهش احساس امید اجتماعی و از این قبیل است.

در تأیید این نتایج در مطالعه دیگری، نتیجه گیری شده است که احساس نا امنی مالی، اخلاقی و جانی در جامعه بالاست؛ استفاده خانواده های تهرانی از دیوارهای بلند و محکم، استفاده بیش از پیش از حفاظ های فلزی و سایر ابزارها برای در ورودی منازل و پنجره ها و دیوارها، نشانگر کاهش اعتماد و افزایش نگرانی و ناامنی نزد خانواده ها می باشد (ساروخانی و نویدنی، ۱۳۸۵).

داده های مربوط به جرایم نیز نشان می دهد که طی سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۳ میزان قتل عمد و غیر عمد به طور متوسط ۱۱/۲۰ و ۳۴/۱۲ درصد در سال رشد داشته در حالی که رشد جمعیت به طور متوسط حدود ۲/۵ درصد در سال بوده است که نشانگر وجود یک بحران اجتماعی در جامعه است. همچنین پرونده های اختتام یافته اختلاس، ارتشاء و جعل و

رانندگی بدون گواهی نامه، حدود ۷ درصد در سال افزایش داشته و پرونده های اختتام یافته قتل بسیار کمتر از پرونده های افتتاح شده است (رئیس دانا، ۱۳۸۳).

نکته دیگر اینکه اشکال جرم و جنایت بسیار فجیع تر شده و دامنه سنی مجرمان به سمت گروه های سنی نوجوانان و کودکان کاهش یافته است.

در مطالعه منوچهر محسنی، حدود ۹۰ درصد ایرانی ها در جامعه نمونه تحقیق، از اینکه ایرانی هستند، احساس بدی را از خود انعکاس داده و به تعبیر دیگر، از «ایرانی بودن» احساس ناخوشایندی داشته اند (محسنی، ۱۳۷۵).

اگرچه در دو پیمایش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نتایج زیر به دست آمده (جدول ۲) که در فاصله سال های (۸۲ - ۱۳۷۹) این احساس ترمیم شده است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۰).

همچنین در سال ۱۳۸۲ در پاسخ به سؤال «مردم تا چه حد قابل اعتمادند؟»، جدول شماره ۳ استخراج شده است. همان طور که مشاهده می شود در آن سال ایرانیان - بویژه جوانان - به هموطنان خود اعتماد چندانی نداشته اند.

۲.۴. منابع تولید سرمایه اجتماعی

با توجه به ملاحظات نظری موضوع که در فصل قبل مرور گردید، منابع تولید سرمایه اجتماعی به صورت زیر قابل استخراج است:

الف- نسبت با حقیقت: سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم با حقیقت، راست گویی، صداقت و یک رویی اشخاص حقیقی و حقوقی جامعه دارد.

ب- رعایت عدالت: هر چه انصاف، بی طرفی و عدالت (و توزیع

جدول ۲- احساس افتخار به ایرانی بودن (درصد)

سال	۱۳۷۹		۱۳۸۲	
بیشتر	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹
کم	۲۱/۲	۲/۸	۵/۵	۲/۴
متوسط	۹/۹	۷/۱	۸/۵	۴/۵
زیاد	۸۳/۸	۸۸/۹	۸۶	۹۱/۹

جدول ۳- میزان اعتماد مردم به هموطنان (درصد)

بیشتر	۱۵-۲۹		۳۰-۴۹		۵۰ و بیشتر
کم	۲۱/۳	۲۶/۵	۲۵/۲	۲۵/۲	۲۵/۲
متوسط	۵۷/۸	۵۶/۸	۵۳/۲	۵۳/۲	۵۳/۲
زیاد	۱۰/۷	۱۶/۶	۲۱/۲	۲۱/۲	۲۱/۲



جدول ۴- نظر پاسخ گویان درباره رواج صداقت و راست گویی در جامعه

سال	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱
سن	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ و بیشتر	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ و بیشتر
کم	۳۱/۲	۳۱/۹	۳۰	۳۲/۳	۳۲/۷	۳۳/۲
متوسط	۳۱/۲	۳۱/۹	۳۰	۳۲/۳	۳۲/۷	۳۳/۲
بیشتر	۳۱/۲	۳۱/۹	۳۰	۳۲/۳	۳۲/۷	۳۳/۲

مردمان کشورمان نگران کننده است. در مطالعه منوچهر محسنی که در تهران و ۴ استان کشور اجرا شده، نتایج جالب توجهی به دست آمده است (محسنی، ۱۳۷۵).

در پاسخ به اینکه هموطنان ما تا چه حد راست گو هستند؟ بالغ بر ۷۶ درصد (یعنی بیش از سه چهارم پاسخ گویان ایرانی) هموطنان خود را دروغگو و یا نسبتاً دروغگو و فقط کمتر از ۲۴ درصد را راست گو و کاملاً راست گو دانسته اند.

در پاسخ به دو رویی، بیش از ۹۰ درصد، هموطنان خود را نسبتاً و یا کاملاً دو رو دانسته و کمتر از ۱۰ درصد هموطنان را دو رو ندانسته اند.

درباره تقلب بیش از ۹۱ درصد، ایرانیان را نسبتاً یا کاملاً متقلب و کمتر از ۹ درصد را غیرمتقلب خوانده اند.

در دو مطالعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲ و ۱۳۷۹) نیز درباره صداقت و راست گویی در جامعه در ۲۸ استان کشور از بیش از ۱۶ هزار نفر سؤال شده است که نتایج آن در جدول ۴ مشاهده می شود.

همان گونه که ملاحظه می شود نتیجه گیری از جدول سه جنبه دارد: یکی اینکه مجموعاً صداقت و راست گویی در جامعه ما کم ارزیابی شده است، دیگرآنکه جوان ترها راست گویی را در جامعه کمتر دانسته اند و سوم، در سال ۸۲ نسبت به سال ۷۹ تلقی عمومی از رواج این خصیصه در جامعه ما وضعیت بدتری پیدا کرده است.^۱

در حالی که جامعه ای دارای سرمایه اجتماعی رونق می یابد که اخلاقی باشد و یکی از تعاریف جامعه اخلاقی این است که

درآمد عادلانه به عنوان شاخص مهم عدالت) در جامعه بیشتر رعایت شود، به افزایش سرمایه اجتماعی منجر می گردد.

ج- مبانی هویت: فرهنگ ها هویت را می سازند و اگر فرهنگ قدرتمند باشد، هویت را حفظ و در موارد لازم بازسازی می کند. قدرت فرهنگ، به کارآیی، سازگاری و انعطاف پذیری و انسجام متناسب و البته شاخص های اصلی مثبت اقتصادی بستگی دارد.

د- منابع معرفت (گردش اطلاعات): منابع و سطح بالای تولید اطلاعات، علم، دانش و معرفت و گردش آن به ارتقای سطح سرمایه اجتماعی می انجامد.

ه- وضعیت معیشت: تولید هر جامعه و رشد آن، همچنین سطح اشتغال و درآمد سرانه، به ویژه در شرایط ثبات اقتصادی از منابع ایجاد سرمایه اجتماعی است.

پنج عامل فوق، از اصلی ترین منابع تولید سرمایه اجتماعی است و از سوی دیگر، به عکس سرمایه اجتماعی بالا نیز بر تمامی موارد فوق تأثیر مثبت می گذارد و این رابطه، یک رابطه دو طرفه و تعاملی است که موضوع این مقاله به طرف اول این ارتباط اختصاص دارد.

در بخش بعدی، ضمن توضیح درباره هر یک از موارد فوق، به وضعیت منابع تولید سرمایه اجتماعی در کشور می پردازیم.

۳.۴. تولید سرمایه اجتماعی در ایران

۱.۳.۴. نسبت با حقیقت

برای ارزیابی نسبت جامعه با حقیقت که در صداقت و راست گویی، امانت داری، پای بندی به تعهدات، دوری از نفاق، ریاکاری و تقلب و... تبلور می یابد، مطالعات چندی صورت گرفته است که نتایج مطالعات درباره حقیقت گویی و یک رویی و درستکاری

۱. برخی اظهارات از سوی بعضی مسؤولان در سطح وسیعی منتشر می شود که اگر هر ارزشی داشته باشد، تحت الشعاع شبهه های قرار می گیرد - که با توجه به فراین - برای عموم مردم نسبت به صحت آن ایجاد می گردد که به کاهش اعتماد عمومی منجر می شود؛ مانند خبر ترور و یا ربودن یکی از مقامات در یکی از کشورهای همسایه. همچنین است موضوع مدرک دانشگاهی یکی از وزرا، اگر واقعیت - ولو خلاف مصالح اشخاص - گفته شود، اعتماد را ارتقا و سرمایه اجتماعی ملی را افزایش می دهد که هیچ مصلحتی بالاتر از این نیست.

• عوامل تأثیرگذار بر سطح سرمایه اجتماعی و راهکارهای ارتقای آن

کسب معاش و رفاه منوط به پایمال کردن و حتی نادیده گرفتن صفات اخلاقی نباشد و در مرحله بالاتر، اخلاق را در جامعه حتی ارتقا بدهد. حال این ضوابط را مقایسه کنید با نتیجه یک تحقیق که ۵۴ درصد جامعه نمونه آن گفته اند: «نیاز به درآمد حاصل از کار، آنان را به هر اقدامی وخواهد داشت» (غفاری و شریعتی، ۱۳۸۶)؛ معنی این نتیجه گیری این است که بیش از نیمی از پاسخ گوینان، در کسب درآمد به ضوابط اخلاقی نمی اندیشند؛ حتی حاضرند برای یافتن شغل و درآمد حاصل از آن دست به هر کاری بزنند.

۲.۳.۴. رعایت عدالت

نابرابری ابعاد مختلفی دارد که به طور کلی به نابرابری اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی قابل تقسیم بندی است که همه اشکال آن به افول سرمایه اجتماعی می انجامد؛ اما نابرابری اقتصادی تأثیری فوری تر و عمیق تر بر جای می گذارد و نیز به دلیل سهولت در اندازه گیری، اقتصاددانان بیشتر به آن توجه داشته و از وضعیت توزیع درآمد، نابرابری اقتصادی را اندازه گیری نموده اند که نابرابری درآمد متداول ترین شاخص در این زمینه است که با معیارهای مختلفی مانند ضریب جینی^۱، ضریب اتکینسون^۲ و شاخص تایل^۳ محاسبه می شود.

در ایران روند زمانی ضریب جینی - به عنوان معیاری برای اندازه گیری نابرابری درآمدی - در جدول ۵ ارائه شده است.

سال های در نظر گرفته شده، سال ۱۳۵۶ یعنی یک سال

جدول ۵ - روند نابرابری در ایران طی سالهای ۱۳۵۶-۱۳۸۰

سال	۱۳۵۶	۱۳۶۸	۱۳۷۳	۱۳۶۸	۱۳۸۰
شهری	۰/۴۴۹	۰/۴۱۸	۰/۴۱۵	۰/۳۹۲	۰/۳۹۴
روستایی	۰/۳۳	۰/۳۱۸	۰/۳۲۵	۰/۳۲۱	۰/۳۱۶

ماخذ: برای سال های ۱۳۵۶ و ۱۳۶۸، روستا و روضانی، ۱۳۸۱ و برای بقیه سال ها، حسینی نژاد، ۱۳۸۲.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، سال ۱۳۶۸ یعنی یک سال پس از خاتمه جنگ تحمیلی و همچنین سال آغازین برنامه اول توسعه، سال ۱۳۷۳ یک سال پس از برنامه اول و سال آغازین برنامه دوم، سال ۱۳۷۸ یک سال پس از برنامه دوم اقتصادی و سال ۱۳۸۰

به عنوان آخرین سالی که آمارهای آن موجود بوده، هستند. بررسی روند زمانی ضریب جینی برای مناطق شهری حاکی از کاهش نابرابری طی دو دهه اخیر است؛ در حالی که مقدار ضریب جینی در سال ۱۳۵۶ نزدیک عدد ۰/۵ است، مقدار آن در سال ۱۳۸۰ به ۰/۳۹۴ رسیده است.

علاوه بر این، مقایسه سال های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ حاکی از عدم کارایی سیاست های تعدیل در برنامه اول توسعه پس از انقلاب برای کاهش نابرابری بوده و در شهرها نیز تأثیر مثبت بسیار اندکی بر جای گذاشته و در روستاها نابرابری بیشتر شده است. طی برنامه دوم، ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی کاهش یافته و طی سال های آغازین برنامه سوم، تقریباً بدون تغییر باقی مانده است (حسینی نژاد، ۱۳۸۲).

از نظر استانی نیز در سال ۱۳۸۰ بیشترین میزان نابرابری مناطق شهری در مازندران، قزوین، قم و اردبیل و کمترین میزان در لرستان، گلستان، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان و در مناطق روستایی بیشترین میزان نابرابری، در استان های تهران، یزد، بوشهر و قزوین و استان های خوزستان، کرمانشاه، کردستان و قم دارای کمترین نابرابری در آمدی بوده اند. ضمناً از نتایج تحقیق می توان نتیجه گرفت که برخی استان ها بیش از آنکه از نابرابری رنج ببرند، تحت تأثیر فقر و شدت آن قرار دارند و به نظر می رسد رفع فقر در یک استان، متعادل تر شدن توزیع درآمد را نیز به همراه داشته باشد(همان).

در مجموع توزیع درآمد پس از انقلاب اسلامی در ایران عادلانه تر شده(قنبری و صادقی، ۱۳۸۶) اما میزان آن - حتی پس از کاهش - نسبت به کشورهای دیگر بالاست و این روند می باید حفظ شود و ارتقاء یابد.

۳.۳.۴. مبانی هویت

هویت عبارت است از فرایند معنا سازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته ای از ویژگی های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می شود(کاستلز، ۱۳۸۲). هویت اجتماعی، ارتباطات اجتماعی را امکان پذیر می کند و از سوی دیگر وقتی جامعه با گسستگی در معناداری مواجه گردد،

1. Gini Coefficient
2. Etkinson Coefficient

3. Theil Index



اعتبار دهی هویت ایرانیان بوده که در دوران معاصر، عنصر دیگری به آن افزوده شده که سابقه دیرینه ای ندارد و آن اثرات تمدن جدید است.

حدود یکصد سال است که قانون اساسی، انتخابات، پارلمان، تفکیک قوا و مظاهر دیگر مدرنیته - صرف نظر از کارکرد کامل یا ناقص - وارد عرصه عمومی کشور شده و رفته رفته ورود این عناصر بیشتر و بیشتر می شود؛ بویژه که در سی سال پس از انقلاب اسلامی، حدود ۳۰ انتخابات عمومی (به طور متوسط هر سال یک انتخابات سراسری) داشته ایم.

هویت ایرانیان عناصر زیادی دربردارد که درباره بسیاری از آنها اختلافی و بحثی در نمی گیرد اما سه عنصر "اسلامیت"، "ایرانیت" و "مدنیت" (جدید) که از مهم ترین عناصر هویتی ایرانیان است، چالش هایی داشته که گاه به بی ثباتی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منجر شده است؛ چراکه در برخی از این دوره ها یکی از این سه وجه برجسته و وجوه دیگر نادیده گرفته شده که موجب واگرایی گروه هایی که هویت را در وجوه دیگری (از این سه وجه) می جویند، گردیده است.

هویت ایرانی به علت موقعیت خاص جغرافیایی از سه حوزه تمدنی ایرانی، اسلامی و جدید تأثیر پذیرفته است (زاهد، ۱۳۸۴). شهید مطهری نیز در دو اثر مختلف خود بر این سه عنصر صحه گذاشته است: ایران و اسلام (مطهری، ۱۳۶۳) و تعلیمات آزادی خواهانه (مطهری، ۱۳۶۱).

اگر چه صاحب نظران مؤلفه های دیگری چون زبان فارسی بویژه شعر فارسی، جغرافیای فلات ایران (کدی، ۱۳۸۱)، پرچم، احساسات ملی، قانون اساسی، آداب، رسوم، جشن ها، اعیاد ملی (یوسفی، ۱۳۸۰)، سنت ها (رجایی، ۱۳۸۲) و غیره را ذکر کرده اند که عمدتاً در سه عنصر قبلی مستتر است و البته درباره آنها، هر از گاهی چالش هایی در می گیرد که یکی از وجوه هویتی برجسته و وجوه دیگر نادیده گرفته می شود که موجب واگرایی گروه هایی می گردد که اعتبار هویت ایرانی را در وجوه دیگر می جویند.

شکست شبه مدرنیسم پهلوی اول، شکست ملی گرایی حکومت دکتر مصدق، شکست ملی گرایی اسلام زدایی شده پهلوی دوم، همه حاکی از بحران در هویت می باشد (مصطفوی،

بحران هویت پدید می آید (رجایی، ۱۳۷۳). و اما هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است و مهم ترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می شوند، عبارتند از: سرزمین، دین و آئین، آداب و مناسک، زبان و ادبیات، مردم و دولت، میزان تعلق و وفاداری اعضا به هر یک از عناصر فوق، شدت احساس هویت ملی آنان را مشخص می سازد (یوسفی، ۱۳۷۸).

۱.۳.۳.۴. هویت تاریخی ایرانیان

پیش از انقلاب اسلامی در ایران، دستگاه حکومتی و برخی اندیشمندان جامعه سخت دست اندر کار پروردن هویتی برای ایران بودند که یکسره بر دستاوردها و افتخارات باستانی تکیه داشت، بی آنکه اسلام را نقش مهمی در آن باشد. پس از انقلاب اسلامی نیز عده ای سرگرم ساختن هویتی برای این ملت شدند که یکسره بر دوره اسلامی تکیه داشته باشد و برخی تا آنجا پیش رفتند که ملت را شاید مقابل "امت" و "هویت ملی" را مغایر "هویت اسلامی" شمردند. این هر دو، راهی را می پیمودند که با ماهیت طبیعی و ساختار واقعی هویت ایرانی سازگار نبود. نه تنها "ملیت" با اسلام و مفهوم "امت" اسلامی مغایرت ندارد، بلکه ملت می تواند زیرمجموعه امت باشد (مجتهدزاده، ۱۳۷۷).

اگر ایرانیان به تشیع روی نمی آوردند، معلوم نبود امروز یک واحد سیاسی مستقلی به نام ایران با این ویژگی ها چه وضعی داشت؟ البته منظور از بحث بالا این نیست که تشیع به عنوان دین رسمی ایران تنها نشانه ایرانی گری است نه! مسلمانان زیادی در دنیای عرب شیعی مذهبند و ایرانی نیستند و ایرانیان زیادی نیز سنی مذهبند یا دین دیگری دارند و کاملاً ایرانی هستند. هویت ایرانی هویتی یک پایه نیست و بر خلاف هویت یک پایه عربها و ترکان که متکی بر عامل زبان است، هویت ایرانی هویتی چندپایه است و بر عواملی چون سرزمین مشترک، دین مشترک، آداب و سنن مشترک استوار است، ایرانی که در یک عامل بالا با ایرانی دیگری شریک نباشد، در دیگر عوامل با او و دیگر ایرانیان شریک است (مجتهدزاده، ۱۳۷۷).

۲.۳.۳.۴. هویت امروز ایرانیان

همان گونه که در بالا اشاره شد، اسلامیت و ملیت دو منبع

(۱۳۸۷).

- توانمندسازی نیروی کار از طریق آموزش در مدارس و دانشگاه ها، خلق سرمایه انسانی، تولید مجدد مهارت ها و یادگیری شخصی برای به کارگیری در فعالیت های تحقیق و توسعه و نوآوری؛ تولید و عرضه تحقیق و توسعه (R&D) که در مراکز تحقیقاتی انجام می شود و دانش جدید تولید و توزیع می کند

- شناخت بازارها و شبکه بندی از طریق بازارها و دیگر مکانیزم ها شامل انتشار اطلاعات و یادگیری متقابل میان سازمان های درگیر در فرایند نوآوری

- فراهم آوردن نهادهای لازم نظیر سازمان ها و قوانین حقوق مالکیت فکری (IPR)^۲

- فراهم آوردن دسترسی به تسهیلات، رایزنی های حقوقی، اطلاعات، پشتیبانی اداری و مالی و خدمات مشاوره ای برای اخذ دانش و جاری سازی دانش (برگرفته از: ادکوئیست، ۱۳۸۶).

در هر نظامی بویژه نظام های نوآوری، تولید فکر و اشاعه آن برای حفظ، تداوم و گسترش نظام ها نقش محوری دارد و وضعیت سیستم ها را می توان از قدرت تولید اندیشه سنجید. در کشور ما این فرایند چگونه است؟

در جامعه ما نظام تولید اندیشه؛ خوب کار نمی کند؛ چراکه نظام آموزش رسمی ما نظامی است که تناسب محدودی با مسائل و نیازهای جامعه دارد. به همین دلیل ما با نوعی دوگانگی در همه عرصه ها روبه رو هستیم و در این زمینه نظام تولید اندیشه همواره راه خود را می رود و نظام مدیریت توسعه هم مسیر خود را طی می کند (مؤمنی، ۱۳۸۳).

برای بررسی گزاره های فوق، به عنوان نمونه آموزش و پژوهش و در نتیجه تولید علم، اندیشه و نوآوری را در رشته اقتصاد مرور می کنیم. بازار اندیشه اقتصادی مثل بازار هر کالای دیگر، دو طرف (عرضه و تقاضا) دارد که مختصراً به آن می پردازیم.

الف- طرف عرضه

آموزش و پژوهش علم اقتصاد در ایران عمدتاً در یک بستر دولتی روئیده و رشد کرده و همه ویژگی ها و آفات آن را (نظیر وابستگی به درآمدهای دولتی، عدم ارتباط میان درآمدها و هزینه ها، ناکارایی، ناپویایی، عدم رقابت، غیر متنوع و غیر متحول بودن،

از جمله آثار دیگر بحران هویت، غرب زدگی، بیکاری و فقر، اعتیاد و فحشا، عدم کارایی نظام تربیتی، ضعف وجدان کار نیروی انسانی و گسست بین نسلی است که در آن شرایط، ایرانیان از ایرانی بودن خود احساس بدی پیدا می کنند که بی اعتمادی، منفی بافی و جامعه گریزی پیامد آن است (معیدفر، ۱۳۸۵).

بحران هویت که کاهش سرمایه اجتماعی را به دنبال دارد، گسست فرهنگی نسلی در ایران را موجب شده است. در دو طرح تحقیقاتی که قبلاً ذکر آن رفت، تفاوت ها درباره برداشت های مذهبی و عمل به شعائر دینی قابل ملاحظه است. برای نمونه در سال ۱۳۷۹ پاسخ «اکثرأ»، «گاهی» و «به ندرت» انجام واجبات دینی در نسل جوان به ترتیب حدود ۷۵، ۱۶ و ۸/۵ درصد بوده که در سال ۸۲ به حدود ۶۰/۵، ۲۲ و ۱۸ تغییر کرده و درباره نگرش بدبینانه به وضع موجود و عدم اعتماد و از این قبیل، تغییرات پس از سه سال کمابیش مانند آمارهای فوق بوده که قابل توجه است!

همچنین این فرایند به فقدان نشاط در جامعه مان انجامیده است. در مطالعه ای میدانی در سال ۱۳۷۴ در ۸ شهر کشور، بیش از نیمی از پاسخ دهندگان از زندگی راضی نبوده اند (محسنی، ۱۳۷۵). و طبیعی است که فقدان نشاط در اخلاق کار و کارایی تأثیر می گذارد و بسی علائقی به کار، ایجاد می کند. کارمندانی که کار مفید آنها روزانه به ۲ الی ۳ ساعت نمی رسد، افراد ناشادی هستند که لزوماً افسرده نیستند، بلکه ناراضی خود را با رفتارهای غیراجتماعی و ضداجتماعی بروز می دهند.

۴.۴. منابع معرفت (گردش اطلاعات)

منابع و تولید اطلاعات، علم، دانش و معرفت و توزیع آن از عوامل تولید سرمایه اجتماعی است و برای بررسی آن در ایران، با نگاهی به نظام های نوآوری و مقایسه با این نظام، آن را ارزیابی می کنیم.

در مورد اینکه یک نظام نوآوری چه کارکردها یا فعالیت هایی را شامل می شود، فعلاً دانش مشروح و سازمان یافته و ادبیات گسترده ای وجود ندارد؛ اما موارد زیر فعالیت هایی است در ارتباط با اطلاعات و دانش که انتظار می رود در اغلب نظام های نوآوری، از اهمیت بالایی برخوردار باشد:



علمی (درخشان، ۱۳۸۱).

این وضعیت را می توان در برنامه های آموزشی، کتاب های درسی، مقالات علمی، ساختار تشکیلاتی مراکز آموزشی و دانشگاه ها، وضعیت دانش آموختگان و استادان نیز سراغ گرفت.

ب- همچنین با مرور تولید و توزیع کتاب های منتشره در حوزه اقتصاد در می یابیم که این کتب «مسأله محور» نبوده و با توجه به واقعیات و مشکلات جامعه تدوین نشده اند؛ به طوری که در دهه ۱۳۷۰ نسبت به تعداد کتاب هایی که در موضوعات: اقتصاد اسلامی، روش شناسی، توسعه پایدار، اشتغال و عدالت اجتماعی که توسط دانشگاهیان تولید شده، به ترتیب فقط: ۰.۹، ۰.۶، ۰.۴ و ۰.۳ درصد بوده و این در حالی است که نسبت توزیع کتب اقتصادی به کل کتب چاپ شده در آن دهه، ۰.۸۶ درصد بوده است (مؤمنی، ۱۳۸۱).

ج- در علوم اقتصادی تنها ۱۸ درصد دانشجویان، اولین انتخاب های خود را رشته علوم اقتصادی انتخاب کرده اند و ۸۰ درصد دانشجویان بر خلاف میل خود به این رشته آمده اند (پور کاظمی، ۱۳۸۱).

د- نسبت دانشجویان به استاد در رشته های اقتصاد، قریب به ۴۰ بوده که با نرم اصلی متفاوت است (همان).

ه- نرخ بیکاری دانش آموختگان جوانان و زنان در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال ۱۳۷۵ به ترتیب ۲ و ۴ برابر شده (مصاحبه رئیس سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴) که حتی تحقق امنیت شغلی را با چالش مواجه کرده است.

به دلایل فوق وضعیت بهره روری در فارغ التحصیلان دانشگاه ها نگران کننده است (مؤمنی، ۱۳۸۳). نتیجه آن وضعی می شود که دانشگاه ها و مراکز پژوهشی کشور در تولید علم دارند. تولید علمی کشور ما کمتر از کشورهای نظیر ترکیه، عربستان و مصر است و بویژه در علوم انسانی از کشورهای چون برزیل، هند و تایوان عقب تر هستیم. در مقایسه های جهانی دانشگاه ها نیز در حالی که ۳۵ دانشگاه از ژاپن، ۱۹ دانشگاه از چین، ۷ دانشگاه از کره جنوبی، ۳ دانشگاه از هند و ۲ دانشگاه از سنگاپور در فهرست دانشگاه های برتر جهان قرار داشته اند، دانشگاه های ما نتوانسته اند حتی یک مورد از ۵۰۰ دانشگاه برتر جهان را به خود

هدف گذاری تولید انبوه) را دارد و علاوه بر آن سیستم یکنواخت دولتی گزینش دانشجو و استاد و..... مانع شناسایی و جهت دهی توانایی های متنوع داوطلبان و استادان است که پس از انقلاب اسلامی این روند تشدید گردیده است و در نتیجه محصولات این واحدها از یک سو، فاقد استانداردهای لازم برای رقابت در بازارهای جهانی و از سوی دیگر فاقد توانایی ابداع و نوآوری برای پاسخ گویی به نیازهای -گام عمیقاً بحرانی- اقتصاد ایران بوده اند (رنانی، ۱۳۸۱).

ب- طرف تقاضا

اگر محصولات علم اقتصاد را به طور کلی «نظریه ها و سیاست ها» و «دانش آموختگان» بدانیم، متقاضیان آن، سیاست گذاران و مسؤولان دولتی (کلان و بخشی) و مدیران بنگاه ها (خصوصی و دولتی) هستند.

از بررسی ها می توان نتیجه گرفت که محصولات علم اقتصاد در ایران، از نظر متقاضیان آنها، «کالای لوکس» به شمار می روند، نه «کالای ضروری» و روشن است که تحول، تکامل و بهبود کالاهای ضروری تابع «نیاز» متقاضیان است در صورتی که کالاهای لوکس تابع «سلیقه» آنان است.

پس نه طرف عرضه توانسته پاسخ گوی نیازهای متنوع و متحول اقتصاد باشد و نه طرف تقاضا اصولاً نیاز جدی به این محصولات دارد. این دو طرف بازار، باعث شده که فشاری برای تحول، ارتقاء و تنوع در محصولات علم اقتصاد پدیدار نشود (همان).

این فرایند، کارکردهایی را مانند موارد زیر در عرصه های مربوط به خود ایجاد می کند که قابل تأمل است:

الف- آمادگی های لازم برای نوآوری در علم اقتصاد، قطعاً پیش زمینه در کودکان، دبستان و دبیرستان دارد که در ایجاد ظرفیت پژوهش و خلاقیت علمی نقش بسیار مهمی دارد؛ اما نظام آموزشی ما در دبستان، راهنمایی و دبیرستان مبتنی بر محفوظات است (درخشان، ۱۳۸۱). و سؤالات از نوع: «بنویسید»، «در چه سالی» و «نام ببرید» است. در حالی که در کشورهای توسعه یافته سؤالات از نوع: «به نظر شما»، «آیا موافقت» و «بحث کنید» می باشد. با تشویق به اظهار نظر در چارچوب روش

۱. تا جایی که «کارل پوپر» معتقد است: معرفت بدون مسائل پدید نمی آید و... نظریه، کوششی است برای حل یک مسأله معین (پوپر، ۱۳۷۹).

اختصاص دهند.

انبروهای انسانی آموزشی] را برای انجام نوآوری های آموزشی جلب کنند(همان). رسانه های جمعی نتوانسته اند با ایجاد رغبت به تغییر و جلب مشارکت، همگرایی مطلوبی ایجاد کنند. و اما در مورد ابزارها و وسایل ارتباطات، بررسی های تطبیقی نشان می دهند که فرهنگ سازی لازم در سطح جامعه انجام پذیرفته و تا سطح استفاده مطلوب از لوازمی از قبیل ویدئو، ماهواره، اینترنت و تلفن همراه در کشورمان به عنوان واسطه انتقال اطلاعات و دانش، فاصله داریم(ر.ک: منطقی، ۱۳۸۵).

۵.۴. وضعیت معیشت

۱.۵.۴. تولید و رشد

یکی از عواملی که بستر زندگی عادی عموم مردم را فراهم می سازد، شرایط تولید و رشد تولید کشور است. اگر تولید رفته رفته افزایش نیابد و رشد متناسب نداشته باشد، با توجه به افزایش جمعیت می تواند، بیکاری، تورم و فقر را افزایش دهد که هر سه موجب کاهش اعتماد عمومی - به ویژه از سوی کسانی که بیشتر متضرر می شوند- می گردد. برای بررسی وضعیت اقتصادی به اختصار به مرور روندها می پردازیم:

۱. تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت ثابت (سال ۱۳۷۶) از حدود ۴۴ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۳۸ به حدود ۳۹۸ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ رسیده که رشد سالانه آن در طول ۴۵ سال حدود ۵ درصد بوده که در سال های ۸۳-۱۳۵۷ رشد سالانه ۲/۳ درصد را تجربه کرده است. سهم ایران در تولید ناخالص داخلی جهان از ۰/۶ درصد در سال ۱۹۸۰ میلادی به ۰/۴ درصد در سال ۲۰۰۵ کاهش یافته^۱ و سهم ایران در صادرات جهانی که در سال ۱۹۸۰ میلادی ۱/۳۶ درصد بوده، در سال ۲۰۰۵ به ۰/۵۱ درصد تنزل کرده است.^۲

۲. تولید ناخالص سرانه به قیمت ثابت (۱۳۷۶) از ۷ میلیون ریال در سال ۱۳۵۶ به ۶ میلیون ریال در سال ۱۳۸۳ رسیده است(طایی، ۱۳۸۶). همچنین نسبت درآمد سرانه در ایران به متوسط درآمد سرانه جهانی که در سال ۱۹۸۰ میلادی بیش از ۶۸ درصد بوده و در سال ۲۰۰۵ به نصف یعنی ۳۴ درصد کاهش یافته است.^۳

۲.۵.۴. بیکاری

جدا از ایرادهای اساسی که ممکن است در مورد معیارهای تولید علم و مقالات علمی- پژوهشی معمول میان غربیان داشته باشیم، که داریم، در این زمینه ها اقلأ با سه مشکل اساسی مواجهیم:

۱. جایگاه قابل ملاحظه ای در انتشار مقالات علمی- پژوهشی نداریم.

۲. وضع انتشارات مقالات علوم انسانی ایرانی در مجلات ISI در پائین ترین سطح است.

۳. به خصوص مقالات علوم انسانی ما هم دچار فقر کمی و هم گرفتار ضعف های اساسی و نظری است(لطف آبادی، ۱۳۸۲).

از طرف دیگر، فرایند مشارکت، فرایندی ارادی و آزادانه است و یکی از ابزارهای مؤثر در جلب مشارکت است، بدون شک رسانه های جمعی هستند که با ایجاد بستر مناسب فرهنگی و اشاعه آگاهی های علمی، زمینه اجرای سریع تر و بهتر طرح های نوین را فراهم می کنند و با ایجاد همگرایی سازنده، راه را برای تحقق سیاست ها و خواسته ها و برنامه های مورد نظر اندیشمندان و کارگزاران هموار می سازند و می توان از طریق آنها، به همگرایی و مشارکت دست یافت.

توجه سیاست گذاران نظام معرفتی می باید به رسانه ها جلب شود تا با جدی گرفتن آن، در تدوین سیاست های ارتباطی خود در زمینه گسترش نوآوری و لزوم تغییرات و دگرگونی ها تجدید نظر اساسی بکنند.

از سوی دیگر، ارتباطات تأثیر زیادی بر رشد دانش، نوآوری و توسعه دارد؛ به طوری که نتیجه یک مطالعه نشان می دهد بین میزان بهره مندی کاربران از مجاری ارتباط جمعی و دانش و اطلاعات آنها از نوآوری، رابطه مستقیم وجود دارد. همچنین ارتباط فردی و همنوایی نیز همین تأثیر مثبت را داشته است (هاشمی، ۱۳۸۵).

اما بین میزان بهره مندی از مجاری ارتباط جمعی و مشارکت در نوآوری های آموزشی رابطه معناداری وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، رسانه های جمعی با عملکرد خود نتوانسته مشارکت

1. Institute for Scientific Information (ISI)
2. World Bank• 2006.

3. World Fact Book• 2006.
4. World Bank• 2006.

تورم در کشورهای خاورمیانه ۳/۲ درصد ثبت شده، ایران با ۱۸ درصد بالاترین در منطقه بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

طبق نتایج یک تحقیق، در مناطق شهری در سال ۱۳۸۲ به ترتیب استان های لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان، خوزستان، بوشهر، اردبیل، همدان و سمنان بیشترین میزان فقر و محرومیت را تجربه کرده و در مقابل استان های تهران، آذربایجان شرقی و غربی، اصفهان و قم به لحاظ فقر در وضعیت بهتری قرار داشته اند. از سوی دیگر در مناطق روستایی، بیشترین میزان فقر و محرومیت به ترتیب در استان های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، هرمزگان، کرمانشاه و لرستان قرار دارند (حسینی نژاد، ۱۳۸۲).

در دهه های گذشته، با شاخص های مختلف، فقر افزایش یافته است. یکی از شاخص ها خانوارهایی را ضعیف توصیف می کند که مخارج آنان کمتر از هزینه متوسط کل خانوارهاست که بدین ترتیب در سالهای ۵۶، ۶۵، ۷۵ و ۸۰ به ترتیب ۳۵، ۵۰، ۶۸ و ۷۳ درصد بوده است (برآورد بر اساس هزینه درآمد خانوار، سالنامه های آماری ایران (رئیس دانا، ۱۳۸۳)).

طبق آخرین آمارهایی که در این باره در مرداد ماه ۱۳۸۷ بانک مرکزی منتشر نموده، افراد زیر خط فقر در ۲ سال اخیر بیشتر شده و به ۱۴ میلیون نفر (حدود ۲۰ درصد جمعیت) افزایش یافته است^۱.

۴.۵.۴. تلقی مردم از وضعیت اقتصادی

تلقی مردم از وضعیت اقتصادی بویژه پیش بینی از آینده بسیار اهمیت دارد. در نظرسنجی هایی که واحد نظرسنجی و تحقیقات ماهنامه "اقتصاد ایران" درباره اوضاع اقتصادی مردم در سال ۸۵ و ۸۶ و نیز پیش بینی آنان از آینده به عمل آورد نتایج زیر حاصل شده است: در سال ۸۵ و ۸۶ به ترتیب ۵۴ و ۴۲ درصد از جامعه نمونه شرایط اقتصادی و سطح زندگی خود و خانواده را در سال آتی بدتر ارزیابی کرده اند و حدود ۳۰ درصد شرایط اقتصادی و معیشتی بهتری را برای سال ۸۷ متصور بوده اند. در سال ۸۵ و ۸۶ به ترتیب ۷۰ و ۶۶ درصد از سیاست های اقتصادی دولت نارضاضی و ۱۰ و ۹ درصد نظر مثبت به برنامه های اقتصادی دولت داشته اند.

نرخ بیکاری در اکثر قریب به اتفاق سی سال گذشته دورقمی بوده و وضعیت در آینده نزدیک نیز چشم انداز مناسب ندارد و امروزه کل بیکاران کشور بیش از سه میلیون نفر است و با فرض اینکه نرخ مشارکت نیروی کار تغییر قابل توجهی نکند، این تعداد به بیش از ۳۸ میلیون نفر در سال ۱۴۰۰ خواهد رسید و جمعیت شاغل کشور به ۳۴/۳ میلیون نفر در سال ۱۴۰۰ خواهد رسید. و برای ۱۳ سال آینده باید بیش از ۱۳ میلیون فرصت شغلی ایجاد تا همکاری و اعتماد شهروندان جلب شود؛ اما با توجه به ظرفیت ها و سیاستگذاری ها، این امکان چندان در دسترس نمی باشد به دلیل اینکه بیشترین فرصت شغلی ایجاد شده در سالیان اخیر کمتر از ۶۰۰ هزار شغل در سال بوده است.

و با توجه به اینکه پیامدهای بیکاری بسیار منفی و گسترده است که شامل افزایش آسیب های روانی، از دست دادن انگیزه ها و امید به آینده، ازدست دادن آزادی انسانی و گسترش محرومیت های اجتماعی، فروپاشی زندگی خانوادگی و ارتباطات انسانی، کاهش مهارت و دانش و آسیب های کاری می شود و گسترش آن، سرمایه اجتماعی را کاهش می دهد و همواره باید به آن توجه جدی معطوف گردد.

همچنان که وزیر کار و امور اجتماعی اظهار داشته، کشور ما در ۵ سال آتی، بالاترین نرخ بیکاری سالهای پس از انقلاب اسلامی را تجربه خواهد کرد (مصاحبه با خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵).

این در حالی است که نرخ بیکاری بین جوانان نزدیک به یک سوم بوده است (مصاحبه رئیس سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴/۳/۱۰) (یعنی از هر سه جوان، یک بیکار) که طبق استانداردها بیکاری جوانان حداکثر می باید ۱/۵ برابر دیگر سنین باشد که در ایران به بیش از دو برابر رسیده است و در همین حال، ذهنیت نارضاضی حاکم بر افراد جویای کار در ایران مبنی بر اینکه ۸۳ درصد از جوانان، پیدا کردن کار را منوط به داشتن پارتی دانسته اند و ۵۴ درصد نیز معتقدند که نیاز آنان به درآمد حاصل از کار، آنان را به هر اقدامی و خواهد داشت! از دیگر چالش هاست (غفاری و شریعتی، ۱۳۸۶).

۴.۵.۴. فقر در ایران

تورم مستمر، به صاحبان درآمدهای ثابت لطمه می زند و افراد بیشتری را به زیر خط فقر می راند. در حالی که متوسط

۱. معاون اقتصادی معاونت برنامه ریزی و سیاست های راهبردی ریاست جمهوری در اردیبهشت ماه اعلام کرد ۱۵ میلیون نفر زیر خط فقر قرار دارند.



شده، لازم است در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها به سرمایه اجتماعی توجه اکید شود و تمامی برنامه ها به گونه ای طراحی و اجرا شوند که ضمن حفاظت این سرمایه، آن را افزایش دهند و از تدوین و اجرای سیاست هایی که به اعتماد عمومی لطمه وارد می آورد، اکیداً اجتناب گردد.

۳. اگر دولت در وهله اول به ایفای وظایف اصلی خود بپردازد و ایجاد امنیت داخلی و خارجی (دفاعی)، ضرب، چاپ و انتشار پول ملی و حفظ ارزش آن، تعریف واحدهای اندازه گیری و استانداردها و حفاظت از آنها، تعریف دقیق و تعیین حقوق مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی، ایجاد دستگاه داوری عدالت محور جهت رفع اختلاف در جامعه، و تأمین کالاهای عمومی و آموزش و بهداشت به شیوه ای کارا و به اندازه کفایت و جلوگیری از شکست بازار را به خوبی اجرا و تضمین کند، سرمایه اجتماعی را ارتقاء می دهد.

۴. با توجه نقش برجسته عدالت در ایجاد و ارتقاء سرمایه اجتماعی، دولت ها به مفهوم عام آن (حاکمیت) با ایجاد و توسعه نظام قضایی عدالت گستر با ویژگی های: بی طرفی، کارایی، قاطعیت، ارزانی، با قابلیت دسترسی همگانی، وحدت رویه، قوانین روشن، واحد و سراسری و اطلاع رسانی شفاف می توانند سرمایه گذاری بسیاری در ایجاد و تعمیق اعتماد عمومی داشته باشند.

۵. هر حرکتی که اعتماد مردم به حکومت و نهادهای وابسته به آن را تحت تأثیر قرار دهد، اعتماد مردم به یکدیگر را متأثر می کند و اقتصاد را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. پس بهتر است با مشارکت دادن بیشتر مردم در تصمیم گیری ها و تقویت و تشویق نهادهای غیردولتی - که به حضور اعضای جامعه در امور اجتماعی دامن می زند- به افزایش سرمایه اجتماعی کمک نمود، به زبان فوکویاما دولت ها وقتی تصمیم به انجام فعالیت هایی می

در سال ۸۵ برای پیش بینی سال ۸۶ حدود ۶۰ درصد پاسخ گویان معتقد بودند که در سال ۸۷ نرخ تورم افزایش می یابد و ۲۶ درصد به کاهش آن امیدوار بودند. ۳۸ درصد نیز نرخ بیکاری را در سال بعد بیشتر و ۳۰ درصد امید به کاهش بیکاری داشتند (اقتصاد ایران، ۱۳۸۷). اگرچه امیدواری نسبت به سال قبل بیشتر شده ولی هنوز تا وضعیت مطلوب فاصله زیادی است که اینها نشانه بی اعتمادی به آینده اند. جدول ۶ نتایج نظرسنجی ها را نشان می دهد.

۵. نتیجه گیری

با توجه به کاهش خفیف اما قابل ملاحظه سرمایه اجتماعی در دو دهه اخیر در کشورمان و اهمیت خطیر آن، لازم است سرمایه گذاری های جدیدی برای تأمین و ارتقاء سرمایه اجتماعی صورت پذیرد که طبق نتایج مقاله برای این سرمایه گذاری ها موارد زیر جمع بندی و بدون ترتیب اولویت پیشنهاد می گردد.

۱. با توجه به اهمیت سطح سرمایه اجتماعی در اجرایی شدن برنامه ها و سیاست ها، لازم است هر چند سال (لااقل ۴ تا ۵ سال همزمان با دوره تصدی دولت یا اجرای برنامه) یک بار، سرمایه اجتماعی در کشورمان و حتی الامکان به تفکیک مناطق شهری و روستایی و با تقسیمات استانی اندازه گیری شود و طی مطالعات بعدی دلایل کاهش و افزایش سرمایه اجتماعی در مناطق و استان ها بررسی و در آن نواحی که سرمایه اجتماعی رو به افول است، توجه بیشتر معطوف گردد؛ اگرچه برنامه چهارم توسعه دولت را مکلف به ارزیابی سالانه سرمایه اجتماعی نموده است.

۲. همانگونه که در قانون برنامه چهارم توسعه بر حفظ و ارتقاء و در سند چشم انداز بر سهم برتر سرمایه اجتماعی تأکید

جدول ۶- امیدواری پاسخ گویان درباره مهار تورم و بیکاری (درصد)

تورم	بیکاری	تورم	بیکاری
۶۰	۳۸	۲۶	۳۰

بسیج شود. استان هایی که در آنها فقر و نابرابری درآمد شدیدتر است، مانند لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان، بوشهر و اردبیل در اولویت قرار دارند.

۹. در بلند مدت فقرا نمی توانند پشتوانه ای برای سرمایه اجتماعی باشند؛ بلکه با توجه به شواهد، در شرایط حاد فقر، رفتارهای ضد سرمایه اجتماعی از خود بروز می دهند. ذخیره سرمایه اجتماعی هر کشور به مجموعه عوامل بستگی دارد که ریشه کنی فقر و توزیع عادلانه امکانات اقتصادی و اجتماعی از مهم ترین آنهاست. می باید برای ریشه کنی فقر گسترده و توزیع عادلانه تر در آمد و ثروت، برنامه هایی با پشتوانه های علمی و توجه به تجربیات موفق (در کشورها و نیز در مقاطعی در کشور خودمان) تدوین و اجرا گردد.

۱۰. یک مسیر جهت تقویت سرمایه اجتماعی، تسهیل ارتباطات اجتماعی میان افراد جامعه است. لازمه گسترش این ارتباطات، ایجاد فضاهای اجتماعی تسهیل کننده آنهاست که موجب افزایش تعامل میان شهروندان می شود. از جمله این فضاها می توان به انجمن های علمی، ادبی، هنری و مؤسسات خیریه در شهرها و قهوه خانه ها در روستاهای ایران اشاره کرد.

۱۱. با توجه به اینکه افراد به دلایل اخلاقی، حتی در غیاب سازوکارهای قانونی، به تعهدات خود پای بند می مانند و چون هر گونه تلاش برای احیای اعتماد اجتماعی، از مسیر احیای حیات اخلاقی می گذرد، پس، از هر اقدامی که حیات اخلاقی (و بویژه حقیقت گرایی و راست گویی در همه عرصه های فردی و اجتماعی) را دچار خلل کند، باید پرهیز کرد و جامعه اخلاقی با صفات صداقت، و یک رویی تقویت گردد.

۱۲. در ارتباط با هویت، مبانی اعتبار هویت ایرانیان که گاه بر سر آن اختلافاتی به وجود می آید، اسلامیت- ایرانیت است که از حدود یک قرن پیش عناصری از تمدن جدید نیز با آنها در آمیخته است. تجربه قرن گذشته در کشورمان نشان داده است که با تأکید بر یکی - دو جنبه از آنها و وانهادن یکی - دو جنبه دیگر و در شکل حاد آن با مبارزه با وجوه دیگر، نتیجه مستمر و پایداری حاصل نمی شود.

هویت ایرانیان با مبانی سه گانه فوق اعتبار می یابد و پایدار می ماند. اگر در کنار محور دین، ملیت و دستاوردهای انسانی

گیرند که بهتر است بر عهده بخش خصوصی و جامعه گذاشته شود، تأثیری به شدت منفی بر سرمایه اجتماعی بر جای می گذارند. اگر دولت در سازماندهی همه چیز دخالت کند، مردم به دولت وابسته شده و توانایی های خود را برای کار کردن با یکدیگر از دست می دهند. در این ارتباط، اجرایی شدن کامل تر و جدی تر اصل ۴۴ بیش از پیش اهمیت می یابد و اندازه دولت نیز متناسب با ایفای وظیفه اصلی، تعیین می گردد.

۶. عرصه ای که در آن دولت ها، زمینه بسیاری برای ایجاد سرمایه اجتماعی دارند، آموزش و ارتقای معرفت است. مؤسسات آموزشی در همه سطوح از ابتدایی تا عالی صرفاً سرمایه انسانی را انتقال نمی دهند، بلکه سرمایه اجتماعی را نیز به شکل قواعد و هنجارهای اجتماعی منتقل می سازند. یکی از بزرگترین راه های جلوگیری از فساد این است که کیفیت آموزش حرفه ای دیوان سازان عالی رتبه را افزایش بدهند تا روحیه گروهی در بین این نخبگان به وجود آید. آموزش نیروی انسانی یک جامعه و تربیت آنها در راستای مشارکت و کار گروهی، امر بسیار مهمی در افزایش سرمایه اجتماعی است.

۷. با توجه به نتایج مطالعات انجام شده در کشورها، فساد، بی نظمی و بی قانونی، عدم پای بندی به قراردادها توسط دولت و کیفیت نازل، پیچیده و وقت گیر بوروکراسی تأثیر زیادی بر کاهش سرمایه اجتماعی دارد که لازم است بیش از پیش به آنها توجه شود.

در نظام هایی که اشتباهات یا ناتوانی ها به راحتی ابراز و بابت آنها عذرخواهی و یا صادقانه برکناری انجام می شود، به دلیل اطمینانی که در شهروندان ایجاد می کند، باعث اعتماد می گردد. به منظور احیا و جلب اعتماد بیشتر، مقامات دولتی می باید دست به ترمیم اعتماد مخدوش شده مردم - عمدتاً به واسطه خلف وعده های گذشته - برند و راه آن نیز ضمن پای بندی عملی به وعده ها و به تعهدات است.

۸. تا زمانی که تنگنای نسبتاً شدید اقتصادی وجود داشته باشد، انتظار اعتماد بالا از عموم مردم انتظار چندان به جایی نخواهد بود. برای جبران تولید و درآمد سرانه پایین و بیکاری و تورم مزمن دو رقیمی و بی ثباتی اقتصادی در کشور، می باید تمامی امکانات بویژه ظرفیت کارشناسی و تخصصی کشورمان

تمدن جدید را به فراخور وضعیت کشورمان بیش از پیش به رسمیت بشناسیم و هویت خود را با آن تعریف کنیم، بستر فرهنگی کارآتر، سازگارتر و با انسجام لازم ایجاد می‌شود که در جهت اعتمادسازی بیشتر به کار می‌آید.

منابع:

- ادکونیست، چارلز. (۱۳۸۶). نظام‌های نوآوری، ترجمه محمد یوسفی، فصلنامه علمی- تخصصی تکاپو، شماره ۱۷، بهار.

- افسه، کلاوس. (۱۳۸۴). چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟ در مجموعه مقالات اعتماد، دموکراسی، توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، اندیشه جامعه مدرن، چاپ اول.

- اقتصاد ایران (ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی)، سال دهم، شماره ۱۱۰، فروردین ۱۳۸۷.

- آمار و اطلاعات سال ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.

- باولز، ساموئل. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و حاکمیت در اجتماع، در مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، نشر شیرازه، چاپ دوم.

- پانتنام، رابرت. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی (مصاحبه)، در مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، ترجمه افشین خاکباز، نشر شیرازه، چاپ دوم.

- بوپر، کارل ریموند. (۱۳۷۹). اسطوره چارچوپ، ترجمه علی پایا، انتشارات طرح نو.

- پور کاظمی، محمد حسین. (۱۳۸۱). بررسی وضعیت علمی و انتخاب‌های دانشجویان اقتصاد در آزمون‌های سراسری، مجموعه مقالات اولین همایش دستاوردهای آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد در ایران مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.

- چلبی، مسعود. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی نظم، نشرنی، چاپ چهارم.

- حسینی نژاد، سید مرتضی. (۱۳۸۲). نابرابری درآمدی، اندازه، دلایل و اثرات آن در ایران، معاونت پژوهش شمس قاسمی، موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد.

- درخشان، مسعود. (۱۳۸۱). بررسی تطبیقی نظام آموزش علم اقتصاد در ایران و سایر کشورها، مجموعه مقالات اولین همایش دستاوردهای آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد در ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.

- دو ماهنامه چشم انداز ایران، شماره ۴۹، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۷.

- دیانکوف، سیمون و کارالی مکلیش. (۱۳۸۶). فضای کسب و کار در سال ۲۰۰۶، ترجمه جعفر خیرخواهان، مرکز پژوهش‌های مجلس.

- دینی ترکمانی، علی. (۱۳۸۵). تبیین افول سرمایه اجتماعی، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، زمستان.

- رجایی، فرهنگ. (۱۳۷۳). هویت و بحران هویت ایرانی، جامعه سالم، شماره ۲۴.

- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). انومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول.

- زبانی، محسن. (۱۳۸۱). چهار نسل اقتصاددانان و نقش آنان در تحولات اقتصاد معاصر ایران، مجموعه مقالات اولین همایش دستاوردهای آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد در ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.

- رییس دانا، فریبرز. (۱۳۸۳). بازار مواد مخدر افیونی در ایران، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی در ایران، نشر آگه، چاپ اول.

- زاهد، سعید. (۱۳۸۴). هویت ملی ایرانیان، فصلنامه پژوهشی راهبرد یاس، ششمین، زمستان.

- ساروخانی، باقر و منیژه نویدنیا. (۱۳۸۵). امنیت اجتماعی خانواده، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، پاییز.

- سن، آمارتیا کومار. (۱۳۸۶). نابرابری اقتصادی، ترجمه وحید محمودی و عزت‌الله عباسیان، انتشارات نور علم، چاپ اول.

- شارع پور، محمود. (۱۳۸۲). ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن، مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، چاپ اول.

- صبوری، منوچهر. (۱۳۸۳). ضرورت اصلاح ساختار اداری، دفتر نشر آگه، چاپ اول.

- طایبی، حسن. (۱۳۸۶). مسائلی در باب فقدان رشد پایدار در اقتصاد ایران، فصلنامه علمی چشم‌اندازهای دانش اقتصاد (تکاپو)، شماره یک، زمستان.

- علوی، احمد. (۲۰۰۷). چشم‌انداز اقتصاد ایران، کنفرانس بین‌المللی اقتصاد و بازرگانی هاوایی.

- غفاری، مسعود و شهروز شریعتی. (۱۳۸۶). جهانی شدن، ساختار دولت و عدالت اقتصادی در ایران، مجموعه مقالات چهارمین همایش دو سالانه اقتصاد ایران (در دست چاپ)، دانشگاه تربیت مدرس.

- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۵). پایان نظم، ترجمه غلامعباس توسلی، نشر حکایت قلم نوین، چاپ دوم.

- فیلد، جان. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی، انتشارات کویر، چاپ اول.

- قنبری، علی و حسین صادقی. (۱۳۸۶). تحولات اقتصادی ایران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی (سمت)، چاپ اول.

- لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۲). تولید علم و مقالات علمی- پژوهشی علوم انسانی در ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی نوآوری‌های آموزشی، موسسه پژوهشی و برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی، شماره ۶، سال دوم، زمستان.

- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۵). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

- مرینیسی، فاطمه. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی در عمل، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، نشر شیرازه، چاپ دوم.

- مصاحبه رییس سازمان ملی جوانان با خبرگزاری ایسنا (۱۳۸۴/۳/۱۰).

- مصاحبه وزیر کار و امور اجتماعی با خبرگزاری مهر (۱۳۸۵/۸/۱۶).

- مصطفوی، سید محمد حسن. (۱۳۸۷). بررسی اثر فرصت‌ها و تهدیدهای پدیده جهانی شدن بر فرهنگ در جامعه امروز ایران، ارائه شده در همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، مرداد ماه، زیر چاپ.

- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱). پیامون انقلاب اسلامی، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۲۳.

- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۳). خدمات متقابل ایران و اسلام، تهران، دفتر انتشارات اسلامی.

- منطقی، مرتضی. (۱۳۸۵). بررسی چالش‌های فرا روی نوآوری‌های آموزشی، فصلنامه علمی - پژوهشی نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۵، سال پنجم، بهار.

- موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی، یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.

- مومنی، فرشاد. (۱۳۸۱). تولید اندیشه علمی در حوزه اقتصاد، مجموعه مقالات اولین همایش دستاوردهای آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد در ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
- مومنی، فرشاد. (۱۳۸۳). شناخت دوره های باطل در اقتصاد ایران، مجموعه مقالات نگاهی به مسائل اقتصاد ایران و راهکارهای آن، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- مومنی، فرشاد. (۱۳۸۵). ضرورت ژرف کاوی در وجوه نظری و اجرایی عدالت، فصلنامه علمی، تخصصی تکاپو، جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، بهار و تابستان.
- موبدفر، رزیتا. (۱۳۸۵). بررسی تحولات سرمایه اجتماعی و پیامدهای اقتصادی آن در ایران، پایان نامه دکتری اقتصاد با راهنمایی دکتر محسن رنایی، دانشگاه اصفهان.
- ناطق پور، محمدحواد و احمد فیروزآبادی. (۱۳۸۵). شکل گیری سرمایه اجتماعی و فراتحلیل عوامل مؤثر بر آن، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸.
- هاشمی، شهناز. (۱۳۸۵). نقش ارتباط فردی و جمعی در اشاعه نوآوری ها در آموزش و پرورش، فصلنامه علمی- پژوهشی نوآوری های آموزشی، موسسه پژوهشی و برنامه ریزی درسی و نوآوری های آموزشی، شماره ۱۵، سال پنجم، بهار.
- وحید، فریدون و همکاران. (۱۳۸۳). رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد ۱۷، شماره ۲.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۰). ارزش ها و نگرش های ایرانیان، چاپ اول.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۲). ارزش ها و نگرش های ایرانیان، دفتر طرح های ملی، چاپ اول.
- ولکاک، مایکل و دیپا نارایان. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای توسعه، پژوهش و سیاست، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، نشر شیرازه، چاپ دوم.
- وینسرا، گری. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، تندرستی و نابرابری درآمد، در مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، نشر شیرازه، چاپ دوم.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۲). عصر اطلاعات، قدرت و هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، طرح نو.
- کتابسی، محمود و همکاران. (۱۳۸۳). دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی و فرهنگی، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد ۱۷، شماره ۲.
- کریمی، زهرا. (۱۳۸۴). نهادهای بازار کار ایران، فصلنامه علمی- تخصصی تکاپو، شماره ۱۱ و ۱۲.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
- یوسفی، علی. (۱۳۸۰). روابط بین قومی و تاثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۸، تابستان.
- Falk, Ian, Kilpatrick, Sue, (2000), "What is Social Capital? A Study of Interaction in a Rural Community" European Society for Rural Sociology Sociologia Ruralis, Vol. 40, No. 1.
- OECD, (2001b), The Well-being of Nations: The Role of Human and Social Capital, Paris.
- The World Fact Book, 2006.
- World Development Indicators Database, World Bank, 2006.